

ضرر نرسانید

حمایت از ظرفیت های محلی برای صلح از طریق امداد
(پروژه ظرفیت های محلی برای صلح)

نویسنده: ماری بی. اندرسن

از مؤسسه

مساعی مشترک برای فعالیت انکشاپی (CDA)

ضرر نرسانید

حمایت از ظرفیت های محلی برای صلح از طریق امداد
(پروژه ظرفیت های محلی برای صلح)

نویسنده: ماری بی. اندرسن
از مؤسسه

مساعی مشترک برای فعالیت انکشافی (CDA)

برگرداننده از انگلیسی به دری: عبدالفتاح روشنگر

جولای ۱۹۹۶ پشاور



NORWEGIAN CHURCH AID

Afghanistan Program

Together for a just World

اداره کمک های کلیسای ناروی

پروگرام افغانستان

باهم بخاطر یک جهان پر از امن

پیشگفتار

جنگ بلای خانگانسوزیست که وقتی دامنگیر یک ملت شد، آنرا به بدبختی و بیچاره گی می نشاند، با کمال تأسف ملت ما به این درد مبتلا گردیده است. مطابق به رسم بشردوستی سازمان های خبریه و ادارات ملل متحد هنگام ابتلاء یک ملت به بدبختی، چه ناشی از حوادث طبیعی باشد یا جنگ، به مساعدتش می شتابند. رنجیده افغانستان هم از توجه بشر دوستان به دور نمانده و موسسات مختلف در عرصه های گوناگون و در گوش و کنار وطن ما مشغول فعالیت آند.

اما بعض همچو کمک ها با وجود اینکه بر مبنای بشر دوستی و با نیک نیتی تدارک گردیده مگر با تأسف که در اکثر موارد باعث ازدیاد تشنج و سبب ادامه جنگ میگردد. تاثیرات منفی کمک ها بالای جنگ در افغانستان هم مانند کشور های دیگر مشهود است.

اداره کمکهای کلیساي ناروي (NCA) در آوانیکه شهر کابل در آتش جنگ های بی مفهوم میساخت دست به اقدام مبتکرانه زده و سیمیناری را تحت عنوان (موسسات داطلب و صلح در افغانستان) در بهار سال ۱۹۹۴ تدویر نمود. هدف از تدویر سیمینار این بود تا نقش موسسات داطلب را در پروسه اعمار صلح در افغانستان ارزیابی نموده و برای اولین بار صحبتی را در بین جامعه امداد گر آغاز تا رابطه بین فعالیت های بازسازی، عمرانی، کمک های عاجل و صلح را مشخص گردانند و با استفاده از همچو کمک ها مردم را در آوردن صلح یاری دهند.

NCA تنها به تدویر ورکشاپ ها اکتفا ننموده و در ضمن تلاش های پیگیر توانست که سیمینار را شامل یک مطالعه بین المللی نماید که توسط یک اداره

امريکايی بنام (CDA) Collaborative For Development Action

روي دست گرفته شده بود.

كتاب حاضر مجموعه اي از دريافت های پروژه ظرفیت های محلی برای صلح میباشد که در جریان اولین سمینار منطقی تحت عنوان ظرفیت های محلی برای صلح که از طرف دفتر NCA به همکاری موسسه CRS (خدمات رفاهی کاتولیک ها بخش پاکستان) دایر گردیده بود معرفی شد. در نتيجه همین تلاشهاي NCA، افغانستان اولین ملکتی بود که متن انگلیسي کتاب (ضرر نرسانيد) به پیمانه وسیع در دسترس خواننده گان علاقمند قرار گرفت.

از آنجائیکه تأثیرات منفی کمک های در گوش و کنار وطن ما هم بوضوح دیده میشود و همچنان جنگ های تباہ کن شیرازه اجتماعی ملت ما را بکلی از هم پاشیده است لازم دیدیم كتاب را بزیان دری ترجمه فاییم تا به پیمانه وسیع تر در اختیار هموطنان ما و بخصوص آنهايیکه درادارات امدادگر افغانی و بین المللی مصروف خدمت اند قرار گیرد. توقع اينست تا خواننده گان عزيز از آن استفاده عملی نموده و با درك نقش شان، سهم فعالانه در پروسه صلح که خواست و ضرورت مبرم مردم ما است بگيرند. همچنان از کارمندان ادارات خيريه توقع داريم تا با استفاده از كتاب (ضرر نرسانيد) فعالیت های پروژه وی خویش را طوري طرح ريزی فایند تا مدد پروسه صلح واقع گردد.

اميدوارم اين خدمت ناچيز من و ساير همکاران دفتر NCA برای هموطنانم مشمر ثمر واقع گردیده و فعالیت های موسسات با استفاده و کاربرد عملی از رهنمود های ارائه شده در كتاب جنبه تعمیری و اصلاحی بيشتر بخود بگيرد.

وسلام

محمد احسان

منيجر پروگرامهاي

اداره کمک های کليسای ناروی

پروگرام افغانستان

معرفی

پروژه ظرفیت های محلی برای صلح، مساعی دسته جمعی است که یک عده سازمان های غیر حکومتی، حکومات تقویل کننده، سازمان های چندین ملیتی و مردمان محلی جوامع درگیر جنگ را شامل میشود. نگرانی مشترک سبب ایجاد پروژه گردید. یعنی زمانیکه امداد به کشور های درگیر جنگ پیشکش میشود، اکثرآ چنین به نظر میرسد که امداد، جنگ را بدتر میسازد - ما خواستیم بدانیم چگونه میتوان تضمین کرد که کمک های بشر دوستانه و انکشافی موجب استقرار صلح میشود نه دوام جنگ.

در این اثر آموخته هایی از تجارت افراد و اداراتی جمع بندی شده که در شرایط مختلف جنگی امداد رسانیده اند. «معلومات و حقایق» بنیادی برای این مساعی از مطالعه و تدقیق پانزده قضایا که در چهارده جامعه مختلف در گیر جنگ صورت گرفته، بدست آمده است. این قضایا در ضمیمه شماره یک در اخیر اثر به شکل مفصل فهرست شده است. تجارت و آموخته های حاصله از قضایا، دارای غنامندی است. این ها پیچیدگی نهایت عمیق جوامع و جنگ هائی را که از آن گزارش میدهند انعکاس داده و تصورات و ایجاد گری احساس برانگیز تدارک کنندگان محلی وین المللی امداد در کشور های درگیر جنگ را نشان میدهد.

این اثر، با آنهم، صرفاً کاریست مقدماتی. در حالیکه اندوخته های زیادی از مطالعه و تدقیق پانزده قضایا بدست آمده است، چیزهای زیادی هنوز هم باقیمانده تا از سایر قضایا و تجارت در حال شکل گیری آموخته شود. خواننده خواهد دید که در هر صفحه ستونی برای «یادداشت ها» اختصاص داده شده و توقع اینست که اکثر خواننده گان ازین ستون به صفت نقطه آغاز برای تفکر دوباره، انتخاب راه

های موثر برنامه ریزی در نقاط درگیر جنگ استفاده خواهند کرد و تجارب و مفکرمهای خود را بالای آنچه درین اثر تذکر رفته، خواهند افزود. از همه خوانندگان دعوت بعمل می‌آید تا با پروژه ظرفیت‌های محلی برای صلح بخاطر ابراز نظریات، مفکرمهایها و درک عمیق شان از موضوع در مقاس باشند تا باشد که این سهم شما با آموزش‌های قبلی ترکیب شده و آنهاییکه در نقاط درگیر جنگ مصروف امداد رسانی هستند، وسیعاً از آن بهره گیرند.

پروژه ظرفیت‌های محلی برای صلح از سهمگیری اکثر مردم، سودمند شده است. خاصتاً از افرادیکه تحقیقات ساحری را انجام داده و نتایج قضایا را نوشتند اند. ایشان عبارتند از :

Joseph. G. Bock

Kenny Gluck

Kate Halvorsen

Greg Hansen

Helen Holm-Pedersen

Stephen Jackson^{..}

Thomas Lent

Susan A.Lyke

Larry Minear

Lena Sallin

Willet Weeks

در خلال پروژه، گروپ‌ها دوبار در پوهنتون هارورد گرد هم آمدند تا قضایا را بررسی نموده آموخته‌های شان را تحلیل و مراحل بعدی پروژه را طرح ریزی فایند. اولین گردهم آیی ازین میتنگ‌ها شامل بیش از از بیست نفر بود که به شکل انفرادی و یا به صفت فایندگان ادارات شان اشتراك نموده بودند. این میتنگ تجاری را با عمق وسعت قابل ملاحظه به مباحثات پیشکش کرد. شاملین این جلسه عبارت بودند از:

- از انجمن پروتستانت برای همکاری در انکشاف

(بن)

Goran Backstrand

- صلیب سرخ سویدن - ستاکهلم

Bo-Elding

- اداره همکاریهای انکشافی بین المللی سویدن

ستاکهلم

Patricia Weiss Fagen

- پروژه اعمار مجدد جوامع ویران شده از جنگ

(D.C، واشنگتن)

Kate Halvorsen

- استیتیوت مسیحی میچلسن (برگن، ناروی)

Stephen Jackson

Kennedy School of Gov. - فارغ التحصیل

پوهنتون هارورد

Jorgen Kristensen

- صلیب سرخ دفارک، گوینهاگن

Anders Ladekart

- شورای پناه گرینان دنمارک - گوینهاگن

Lynette Larsen

- فارغ التحصیل پوهنتون وسکانسن

Rick McCutcheon

- پروگرام ابتکارات صحت به صفت ابتکارات صلح

(از پوهنتون مک ماستور، هملتون، اونتاریو)

Kevin McCort

- کی یر کانادا

Ken Menkhaus

- انسٹیتوت زندگی و صلح (اپ سالا، سویدن)

Larry Minear

- پروژه بشر دوستی و جنگ (پوهنتون براؤن،
پراویدنس، رود آیلند)

Robert Rotberg

- بنیاد صلح جهان (کامبریج)

Geri Sicola

- خدمات رفاهی کاتولیک (بالتیمور)

همچنان درین کنفرانس چهارتمن از همکاران که نقش شان در تنظیم قضایای مطالعه شده ارزنده بود، اشتراک داشتند. ما از دلیری شان در جوامع ویران شده آنها وهم از سهم شان در آموزش دسته جمعی مان عمیقاً ابراز امتنان میکنیم.
ایشان عبارتند از:

Goran Bozicevic

- مبارز ضد جنگ کروشیا

Mohammad Ehsan

- اداره کمک های کلیسای ناروی / شورای مهاجرین،
narovi در پشاور، پاکستان

Dr. Nura Abdi Guled

- پروگرام اعمار مجدد مختلط Trocaire در گیرو-
سومالیا

Fr. Cedric Parkash

- انجمن خدمات اجتماعی St. Xavier در احمد آباد - هند.

پس از اکمال مطالعه قضایا، گردهم آیی محدود مشورتی دومی در کامبریج صورت گرفت. چندین تن از افرادی که در کنفرانس قبلی حضور داشتند، درین جلسه نیز شرکت جسته، تداوم پرسوه مطالعه را فراهم کرده همچنان برداشت دقیق شخصی شان را در تحلیل موضوع و ضاحت بخشیدند. آنها عبارتند از:

Joe Bock

- خدمات رفاهی کاتولیک (اسلام آباد)

Helene Holm-Pedersen

- فدراسیون بین المللی انجمن های صلیب سرخ و هلال

احمر (ژنیو)

Tom Lent

- از Redd Barna - (گواتیمالا و هندوراس)

Willet Weeks

- از فدراسیون Save the Children امریکا

(شاخ افریقا)

Rudyron Bernuth

- قبل از کارمند Save the Children امریکا و

فعال کارمند شورای بین المللی برای ادارات رضاکار

(ژنیو) نیز درین گردهم آیی محدود مشورتی

شرکت جسته و سهم خود را ادا کرد.

Martha Chen همچنان در هردو گردهمآیی سهم فعال داشته و به صفت

دایرکتور پروگرام NGO در انتستیوت هارورد برای انکشاف بین المللی، مهمان

نوازی انتستیوت خود را در هر دو کنفرانس پیشکش کرد. در آغاز پرسوه زمانیکه

من برای توضیح و تفہیم مقصد «پروژه» در گیر جملات طویل و تشریحی بودم، به

خرد و دانایی Martha بخاطر نامگذاری «پروژه ظرفیت های محلی برای صلح

باید اذعان کرد.

از Tim Broadhead که در هر دو جلسه اشتراک گرده و ریاست گردهمایی نخستین را به عهده گرفته ابراز امتنان خاص به عمل می آید. طبق معمول وی در مباحثات پیرامون روابط بین امداد دهنده و مردمان کشورهای که امداد میگیرند چشم انداز خردمندانه ارائه کرد.

همه پروژه ها در واقعیت امر به پول ضرورت دارند. پروژه ظرفیت های محلی برای صلح درین زمینه خوش چانس است چه تمویل کنندگان آن با مفهوم واقعی کلمه همکاران ما نیز هستند. آنها نه تنها برای پیشبرد مساعی، کمک های مادی میکنند بلکه آنها با حمایت معنوی و علمی شان در هر مرحله تحقیقات سهم Eva Asplund، Bo Elding و Manfred Wadehn از همکاران خاص دیگر از جمله Edgar Bruser و Evangelische Zentralstelle fur Entwicklungshilfe, E.V جرمنی، John Schaar و Goran Backstrand از صلیب سرخ سویدن و Ann Howarth از کمیسری عالی ملل متحد برای پناه گزینان حمایت و همکاری شان را اعلام نمودند. در یک فرصت بحرانی، Carsten Stau از DANIDA سخاوندانه وجهه اضافی را که برای اکمال مرحله اول پروژه کافی بود در اختیار گذاشت.

پروگرام ها و پروژه های دیگر چه از طریق عملکرد های شخصی و چه با ارائه مفکره ها و آموخته های شان، همکاران مستدام و سودمند بوده اند. از آنجاییکه ذکر نام همه آنها مشکل است، در اینجا صرفاً از کسانی نام می برمی که مستحق تقدیر اند:

پروژه بشروعتی وجنگ، پوهنتون براون، اداره رسروج امور صحت، پوهنتون مک ماستر؛ پروژه اعمار مجدد جوامع ویران شده از جنگ مربوط انسٹیتوت رسروج اکشاف اجتماعی ملل متحد؛ International Alert از

لندن؛ انتیوت زندگی و صلح از رسالا - سویدن؛ و انتیوت امریکایی صلح در واشنگتن D.C. سه فرد دیگر که در طرز تفکر ما موثر بودند و در خلال کنفرانس ها طی چندین سال گذشته حین دید و بازدیدها معلومات مفید در اختیار Center of Concern John Prendergast از Charles Petrie از دیپارتمنت امور بشری ملل متحده از نیویارک و واشنگتن Jhon paul Lederach سازی پوهنتون مبنوایت شرقی.

دو تن دیگر که در همه آنچه تا کنون انجام پذیرفته همدمست بوده اند کاترین اوورهولت و ایوبیت میندیلسون استند که هر کدام به سهم خود پروژه را در آغاز، میانه و انجام (تاخال) با دادن مشوره ها در برنامه ریزی خوب، در مسایل مالی سالم، و ارایه همیشگی نظریات عالی یاری رسانیده اند. جای مسرت و مبارا است که چنین افراد را در همه مساعی درکنار خود داشتیم. وسara میندیلسون شخصیت دیگرست که مواد خام این اثر را با تطبیق مهارت‌های طرح ریزی اش پهلوی هم گذاشت و با انشاء و ارتباط مطالب، این نوشته را در مدت زمان معین تکمیل کرد.

ابزار امتحان از همه

ماری بی. اندرسن
کامبریج، اپریل ۱۹۹۶



فصل اول

مقدمه

ظرفیت های محلی برای صلح کدام ها است؟

در چچنیا بزرگان هفت قریه، باشندگان قراء هم‌جوار شانرا تشویق کردند تا قراء شانرا مناطق صلح «زونهای صلح» اعلام کنند. آنها نزد قوماندانان روسی که قراء شان را در محاصره داشتند رفته روی این موضوع به توافق رسیدند «در صورتیکه به مليشیای جدایی طلب پناه ندهند آنها مورد حملات قوای روسی قرار خواهند گرفت.»

در بوسنیا چند مرد در اتاق نشیمن یکی از خانه های شان دورهم جمع شدند و راجع به جنگ صحبت کردند. آنها تصمیم گرفتند تا از تجزیه طلبی حمایت نکنند. آنها به «جرگه همشهربان» پرداخته و مجلس عامله را دایر کردند تا دریابند که آیا دیگران با ایشان هم نظر هستند یا نه. در اولین مجلس بیش از دوهزار نفر حاضر شدند. تعداد اعضای این گروه به بیشتر از پانزده هزار رسید. عده زیاد مردم از همچو گرد همایی بخاطر ابراز نظریات شان علیه جنگ نیاز داشته و از آن استقبال کردند.

در تاجکستان یک زن کولابی برای پذیرایی همسایگان گارمی خود را که در خلال جنگ های داخلی «بین گروپ ها» فرار کرده بودند، پذیرایی نموده و آنها را با تقدیم نان و غذ کوش آمدید گفته و برای صرف نان شب در خانه خود آنها را دعوت نمود. وی میز بزرگی را در زیر چیله های انگور در باغچه خانه خود با انواع غذا ها مزین کرد. عودت کنندگان گارمی را یکسوی میز و همسایگان کولابی را سوی دیگر میز مقابل هم قرار داد. آنها باهم یکجا غذا صرف کردند و بقول خانم میزبان مجدداً باهم آشنا شدند.

یک خانم ساخورده دیگر گارمی در تاجکستان توضیح کرد که وی چگونه میتواند در آینده از جنگ جلوگیری کند. وی گفت میتوانم به نواسه های خود تعلیم بدهم که با کولابی ها جنگ «بازی» نکنند. روز قبل برای پسرم گفتم به فرزندت نیاموز که با همسایگان خود جنگ کند - بگذار وی این جنگ را فراموش نماید. خانم ساخورده پس از لحظه تفکر علاوه کرد: من میتوانم شوهرم را که قبلاً معلم بود، وادر سازم تا باهم مسلکان خود در ارتباط به استفاده موثر از اتاق درسی به منظور تدریس مردم برای همزیستی مجدد - صحبت نماید.

در سومالیا یک مرد محلی گزارش داد هنگامیکه دو قبیله باهم به جنگ شروع کرده و علیه یکدیگر اعلام مخاصمت نمودند، یک عده از اعضای دو قبیله خود را از جنگ کنار کشیدند. مرد سومالی توضیح داد که چگونه آنها تصمیم گرفتند تا باسایر قبایلی بپیوندند که در جنگ درگیر نبودند. آنها بخاطری توانستند به چنین عمل دست بزنند که طی نسل ها بین قبایل وصلت ها (ازدواج ها) صورت گرفته بود آنها به سادگی عضویت شانرا با قبایلی که در جنگ در گیر نبودند نسبت به قبایل درگیر جنگ ترجیح دادند.

در موزنیق مادر ساخورده ای از این شکایت فرزندش متعجب شد که چرا عودت کنندگان، زمینی را که ملکیت خانواده وی در قریه شان بود، کشت میکنند. مادر پرسید آیا تو میخواهی به دهقانی مشغول شوی؟
- نه مادر جان قسمیکه شما میدانید پیشه من در شهر چیز دیگریست ولی

زمین، زمین ما است.

- در صورتیکه توبه کشت زمین و زراعت نمی پردازی چرا آنها این کار را نباید بکنند؟ کشت و کار برای زمین خوبست.

جوان موزنیبیقی وقتی این قصه خود را میگفت بالای خود می خندید - مادرش حق به جانب بود، جوان درک کرده بود که مادرش مفکوره صلح خواهی داشت.

داستانهای ازین گونه در همه کشورهای جنگ زده شنیده میشود. چنین به نظر میرسد که در همه جا افراد، گروپ‌ها، روش‌ها، و پروسه‌ها وجود دارند که صلح را تقویت می‌بخشند. این‌ها رامیتوان ظرفیت‌های محلی برای صلح نامید. وقتی ادارات امدادی بین‌المللی به مناطقیکه زد و خورد در آن جریان دارد میرسند تا به مردمیکه از اثر جنگ متاثر شده اند کمک و همکاری نمایند، در پروگرام شان اکثراً این ظرفیت‌ها در نظر گرفته نمی‌شوند.

بسیار اتفاق افتاده که کارمندان ادارات امدادی تحت تاثیر شرایط خشونت بار جاری در منطقه قرار گرفته و می‌پندارند که صرفاً همین‌ها واقعیت است. آنها پروگرامهای شانرا طرح میکنند، تصامیم شانرا می‌گیرند، مواد را توزیع می‌نمایند، کارمندان شانرا استخدام و جابجا می‌نماید. همه‌ء این‌ها را به نحوی انجام میدهند که واقعیت‌های را که در گذشته صلح بالای شان مستقر بوده و صلح آینده نیز باید بالای آن عمار شود نادیده می‌گیرند.

چه کاری بهتر از این را امداد گران در محیط جنگ زده میتوانند انجام دهند که اگر آنها ظرفیت‌های محلی بخاطر صلح را حین برآورده ساختن نیازمندیهای عاجل مردم، شناسایی، حمایت، تشویق و توسعه بخشنند.

سؤال

- چگونه ادارات امدادی بین المللی و محلی مردم را در مناطق پر آشوب و نزاع کمک نمایند تا باشد که این کمک‌ها مانع درگیری شان در منازعه شده و سیستم‌های علی البدل را برای فایق آمدن به پروبلمهای که به آن رویرو هستند انکشاف بخشنند؟
- چگونه موسسات امدادی و کارمندان شان میتوانند ظرفیت‌های محلی را برای صلح تشویق نمایند؟
- اینها مسائلی میباشد که درین نوشه گنجانیده شده است.

پس منظر

در خلال روزهای بعد از جنگ سرد در اخیر قرن بیستم، اکثر گروپ‌هایی که زمانی باهم زندگی میکردند به جنگ داخلی درگیر شدند. همسایه‌های قبلی، همکاران، پیروان ادیان مشترک و حتی اعضای خانواده‌ها باهم میجنگند، گویا زنده ماندن شان به جدایی از دیگران، دیگرانیکه زمانی با آنها می‌زیستند مربوط باشد و این تجربید در امتداد خطوطی بوقوع می‌پیوندد که در زمان حاضر اکثراً «ملیت گرایی» یاد می‌شود. جنگ‌هایی که آنها به پیش میبرند در محلات زیست، ساحات کار، حولی‌ها و مارکیت‌ها و جاهاییکه زندگی روز مره جریان دارد صورت میگیرد. هیچ کس ازین ساحات بیرون نیست. حد فاصل بین جنگ جویان و شهریان مغفوش است. جوانان و نوجوانان به حیث حاملین سلاح و سربازان توظیف می‌شوند.

متناسب به این جنگ‌ها، در تعداد و انواع اداراتیکه مردمان را در ساحات پر از برخورد کمک میرسانند، افزایش به عمل می‌آید. به همین پیمانه حجم وحد منابع این ادارات به خاطر صرف مساعی شان برای تخفیف و تسکین آسیب ناشی از جنگ توسعه می‌پذیرد. در قدم نخست از لحاظ بشر دوستی، این گونه ادارات به شرایط مغلق رویرو می‌شوند. آنها نه تنها در جاهائی کارمیکنند که ضرورت

عاجل برای رفع رنج و درد به شکل حاد و نهایی وجود دارد بلکه در آنچهای سیستم های قدرت مختل شده ویا وجود ندارد. در جایهای که خطوط جبهه واضح نبوده ویا عوض میشوند. در جایی که احترام به حقوق انسان از بین رفته و کارمندان ادارات امدادی به تهدید و قتل مواجه هستند و در جایی که وسعت دادن آنی ادارات امدادی سبب ایجاد تشنج و اشتباہ بیشتر میگردد.

وهرگاه این شرایط به قدر کافی چلنچ دهنده نمی بود، جامعه امداد دهنده کمک های بشری حالا به این حقیقت متوجه نمی شد که نتایج این همه مساعی بصورت همگانی خوب نبوده. گرچه هدف رساندن کمک به مردمان بی گناه و نیازمند است ولی تجربه نشان میدهد که چنین کمک ها همچنان میتوانند برخورد ها و منازعه را بدتر و طولانی بسازد که درین صورت بازهم نیازمندی برای کمک بوجود می آید. همانطوری که امداد سودمند است ضرر هم دارد. شفقت و ترحم که زمانی یک عمل ساده و پاک تلقی می شد، در شرایط جهان امروزی عملیست مغلق و پیچیده و همراه با اهداف سیاسی.

پروژه ظرفیت های محلی برای صلح

بر بنیاد آگاهی های روز افزون از پیچیدگی های شرایط در محلاتی که کمک به آن رسانیده میشود وهم از اثرات ناشی ازین مساعدت ها، اکثر حکومات کمک دهنده، ادارات ملل متحد و موسسات غیر حکومتی بر آن شدند تا در رابطه به قضایا و پروسه تدارک کمک به مناطق جنگ زده، تجدید نظر کنند.

در سال ۱۹۹۳ ظرفیت های محلی برای پروژه صلح آغاز به کار کرد تا تجارت را از مناطق مختلف در حال جنگ جمع و ارزیابی کند و دریابد که چگونه باید کمک ها عرضه شود تا مردم محل را قادر به ختم جنگ و برخورد غایید. منظور این نبود که کمک دهنگان ادارات غیر حکومتی را به صلح سازان مبدل سازد، بلکه باید دانست که پروسه های تدارک کمک چگونه بالای اعمال مردم اثر دارد و با استفاده از آن احتمال تشنج ویا تشنج زدایی (جنگ و یا راه حل آن) را

ارزیابی کرد. هدف این بود تا ادارات را یاری رساند تا در بخش انکشافی و یا کمک های بشر دوستانه به نحوی فعالیت کنند که حامی صلح باشند نه از جنگ و برخورد.

نتایج تعجب آور

مطالعات قبلی که بر بنیاد تجارب ساحری صورت گرفته شواهد حیرت انگیزی را در دسترس قرارداد. در مالک مختلف در حال جنگ، حتی در حالاتی که ادارات خیریه در رسانیدن مساعدت های شان (عاجل و یا انکشافی) موفق بوده اند، کارمندان همچون ادارات می پذیرند که در عین زمان مساعدت های شان به شکل غیر عمدى تشنجات را تغذیه ، بدگمانی ها را تقویت و درنتیجه جنگ را بدتر می سازد.

تجارب نشان داد که دادن کمک های خارجی به محیطی که مردم آن داخل جنگ اند و در جاییکه اکثراً قلت مواد موجود است، میتواند تشنج و بدگمانی را بین گروپ ها به دو طریق مشخص افزایش دهد.

نخست موادیکه توسط ادارات کمک دهنده آورده میشود بالایش تکس وضع گردیده - دزدی میشود و یا توسط گروه های درگیر در جنگ غصب میشود تا به شکل مستقیم از آن برای انجام فعالیت های خود استفاده کنند. همچنان ازین مواد برای تحکیم قدرت بالای اتباع ملکی استفاده سوء صورت میگیرد.

ثانیاً، سیستم هائیکه از طریق آن همچو مواد تدارک میشود اکثراً پیام های تلویحی را که حاوی نوعی اعتراض با جنگ و خشونت است با خود دارد. بطور مثال وقتی ادارات کمک دهنده با رهبران نظامی برای دسترسی به اتباع ملکی مذاکره میکنند یا وقتی محافظتی را برای حفاظت اشیائیکه می آورند استخدام می نمایند، رهبران نظامی این را حق قانونی سلاح بستان میدانند که تصمیم بگیرند که کدام اشخاص میتوانند از مواد امدادی چون غذا، مراقبت های صحی و سایر اشیای کمکی استفاده نمایند. برای ادارات کمک دهنده مشکل است تا نیازمندیهای انسانی را بدون تشدید برخورد های موجود، بر آورده سازند.

چه میتوانیم بکنیم؟ آموزش از تجربه

اگر ما بتوانیم تشخیص بدھیم که چه راهی در پیش گرفته شود تا کمکهای خارجی برخورد و منازعه را شدیدتر نسازد به همین ترتیب میتوانیم برنامه ریزی علی البدل را به خاطر جلوگیری از همچو اثرات منفی کمک‌ها، مشخص بسازیم. روی این اساس «پروژه ظرفیت‌های محلی برای صلح» یک سلسله حالت‌ها را در مناطق جنگ زده مورد مطالعه قرار داد تا در نتیجه معلوم شود که چرا دادن کمک وضع را بدتر می‌سازد و کدام چاره‌ها موجود است که موثریت کمک را در شرایط جنگ بهبود بخشد.

در فصل‌های بعدی آنچه را که ازین تجارب بدست آمده گزارش میدهیم. ما ارزیابی میکنیم که: ماهیت جنگ امروز چیست؟ باعطای کمک به مناطق مختلف چه حالاتی بروز میکند؟ چگونه و چرا دادن کمک باعث شدت برخورد میشود؟ کدام راههای دیگر برای انتقال کمک موجود است که اثرات منفی نداشته باشد؟ آیا دادن کمک در حل منازعات و برخورد تاثیر مثبت دارد؟ اگر دارد چطور؟ چه وقت؟ چگونه میتوان پیشگویی کرد که کدام طریق توزیع امداد کمتر مضر و زیادتر مفید است؟

اینگونه سوالات تلویحاً اشاره به برآورده شدن اهداف نهایت عمدہ و کمتر عمدہ دارد. کمتر عمدہ بدین معنی که دادن امداد برای قربانیان جنگ نباید ضرر اضافی بار آورد. علاوه‌تاً، سوالات روی این امر متمرکز میشود که چه کارهای خوبی برای تدارک کمک انجام شود. نه تنها امداد و کمک باید به اهدافی که در نظر است بررسد (نجات دادن حیات مردم، حمایت از پروژه‌های انکشاپی طویل المدت) اعطاء کمک نه تنها باید از حوادث ناهنجار و مضر که به شکل غیرعمدی واقع میشود جلوگیری کند، بلکه از پرسه اعمار صلح در محل نیز حمایت نماید. اعطای کمک آنهائیرا که از آن استفاده میکند نیز باید قادر سازد تا از برخورد‌ها و جنگ‌های تخریبی دست بکشند و راههای دیگری را برای حل مشکلاتی که باعث جنگ فعلی گردیده است بیابند. این نوشته در برگیرنده آموزش‌هایست که تا

کنون از پروژه ظرفیت های محلی برای صلح بدست آمده. این اثر همچنان مسایلی را مطرح میکند که مستلزم کاوش بیشتر و آموزش مزید است. توقع برده میشود که گروپ های متعدد به شکل درست و موثر از این نوشه در اندیشه و پندار شان راجع به اعطای کمک در هنگام جنگ استفاده نموده نظر شان را گزارش بدهند تا این نوشه غنی تر شود، تجدید نظر در آن صورت گیرد تا باشد که تجارت، نظرات و عقاید بیشتر را انعکاس داده بتواند.

هر چند که پروژه ظرفیت های محلی برای صلح باعث برانگیختن سوالاتی از نقطه، نظر منابع توییل کننده در مورد اعطای کمک در حالت جنگ گردیده است و با تجارتیکه از ساحتات جنگ بدست آمده این امر واضح شده که چنین مسایل برای ادارات محلی که برای التیام مصایب در حالات جنگ کار میکند نیز اهمیت دارد. علاوه بر این، واضح شده که دست آوردهای پروژه، متذکره نه تنها بیانگر مشکلاتیست که از اثر اعطای کمک های عاجل در داغترین حالات جنگ بوجود آمده بلکه در حالات ذیل نیز همچو مشکلاتی ایجاد می شود: زمانیکه اعطای کمک در جائی صورت میگیرد که تشنج بین گروپ ها آغاز شده ولی جنگ در نگرفته. جاهائیکه خصومت ها خاتمه یافته، جاهائیکه آتش بس و توافق در زمینه به پختگی نرسیده و تشنجات بین گروپ ها ادامه داشته و امکان درگیری جنگ گرم وجود دارد. با در نظر داشت آنچه دریالا تذکر یافت، فصل های بعدی موضوعات امداد رسانی را توسط موسسات بین المللی و محلی، کمک های عاجل و انکشافی و اعطای کمک را در حالت جنگ مورد بحث قرار میدهد.

فصل دوم

چرا جنگ‌های امروزی؟

اشخاصیکه در زونهای مشخص جنگ کارمیکنند، اکثراً متذکر می‌شوند که چقدر «جنگ شان» مغلق و پیچیده است. آنها از اوضاع پنهانی عمیق سیاسی و تحریکات آگاهی دارند. آنها روابط پیچیده ذات البینی و میان گروپ‌های درگیر جنگ را می‌فهمند. آنها تاریخ عملیات و تلافی جوئی‌های طرفین را می‌شمارند. آنها اکثراً پیرامون «غیرعادی بودن» اوضاعیکه خود در آن زیست میکنند، تبصره می‌نمایند.

در واقعیت امر، همه مردم تاریخ مشخص دارند، پیچیده‌گی‌ها و ابهام در مسایل امکان و عدم امکان آنچه را که در حالت جنگ انجام شود تعین می‌کند. علی الرغم این امر، ادعای «غیر عادی بودن» قسماً واقعیت دارد. هرگاه در ساحات مختلف که امروز جنگ در آن جریان دارد سری بزنیم، مشخصات مشترک به نظر میرسد. چه چیز را در بارهٔ جنگ‌های امروزی آموخته ایم که میتواند امداد گران را یاری رساند تا کار بهتری را انجام دهند؟ درین فصل برداشت مشترک راجع به جنگ‌های گذشته و تغیراتی را که در نوع جنگ‌ها بوجود آمده و ذر نتیجه صحنه را برای امداد گران شکل خاص داده، مطرح بحث قرار میدهیم.

چرا در گذشته جنگ‌ها بوقوع پیوست؟

در حالیکه اکثریت مردم معتقداند که جنگ «خیلی بد» است و ضدیت خود را با آن ابراز داشته اند، یک عده بدین باورند که جنگ قسمًا «غیر قابل اجتناب» و «طبیعی» است. آنها تاریخ طویل جنگ را تذکر میدهند و قبول کرده اند که جنگیدن در طبیعت «آدمی است». علاوه براین عده یی را عقیده بر اینست که جنگ وسیله موثر برای نیل به تغییرات ضروری است بطور مثال سقوط دادن رژیم ستمگر یا جلوگیری از قوای متتجاوز در حالاتیکه سایر مساعی نتیجه ندهد. گرچه آدمی از جنگ تنفر دارد ولی برای بدست آوردن آنچه عقیده دارند، می‌جنگند می‌میرند و می‌کشند. برای آزادی، دموکراسی، عدالت، مساوات و «حقوق» شان.

جنگ‌های امروزی: تغییرات عمدۀ:

وقتی ما جنگ‌های امروزی را ارزیابی می‌کنیم، تغییرات عمدۀ یی در موقعیت و نوع جنگ به مشاهده میرسد که اجتناب ناپذیری و مناسبت آن را به صفت یک وسیله برای نیل به عدالت مورد سوال قرار میدهد. بعد از عصر جنگ سرد، دو قدرت بزرگ اعتماد خود بر سایر کشورها را که دستیار شان در میدان جنگ بود کاهش داده و از حمایت حکومت‌ها در اکثر این کشورها دست کشیدند. این امر همزمان با فروپاشی اتحاد شوروی سبب ایجاد خلای قدرت شد و افراد و گروپ‌ها برای کسب تفوق و برتری به رقابت پرداختند. در بعضی حالات رهبری با تصور ایجاد یک جامعه نوین بر بنیاد «عدالت کامل» ظهرور کرد و به اکثریت مردم متوصل شد.

اکثراً جای تاسف است که این رهبران نوظهور توجه را به تقسیم بندی جوامع شان عطف کرده گروهک‌ها را تشویق و تحت تاثیر خود آورده و وسیله‌ای برای «داعیه‌های» شان ساخته تعداد طرفداران شان را افزایش دادند.

این «رهبران» از برخود های «قدیمی» بین گروپ‌ها به حیث نکات عمدۀ مبارزاتی برای تشکیل یک اداره، تذکراتی بعمل آوردن آنها پیروان خود را تشویق

کردند تا هویت خاص خویش را داشته و با سایرین برپنیاد این شناسایی برای ایجاد سیستم های قدرت یکجا شوند. در سیستم هانی که آنها دارای قدرت عالی باشند. با تذکر مطالبی از «تاریخ» که انتخابی و تعصب گرایی بود، رهبران خطاهای گذاشته را که گروپ های دیگر مرتکب شده و اذیت آور بود به مردم یاد آوری کردند.

آنها مردم را ترسانیدند که هرگاه خود شان بر یک سیستم سیاسی مسلط نشوند، توسط دیگران به شکل غیر عادلانه تحت تسلط قرار خواهند گرفت و به این وسیله برای خود قدرت کسب کردند. رهبران این عقیده را تقویت بخشیدند که قدرت بین گروپ های متعدد تقسیم شده نمیتواند.

جنگ های امروزی: میدانهای کارزار، ساحات مسکونی مردم اکثر جنگ های امروزی در داخل سرحدات ملی بین مردمانی صورت میگیرد که تامدت کوتاهی قبل از جنگ باهم یکجا در صلح زندگی می کردند. این جنگ ها که در جوامع سرایت کرده سبب جدا شدن همسایگان قبلی، همکاران قبلی و حتی خانواده ها شد. میدان های جنگ ساحتی را در بر میگیرد که زندگی روزمره در آن جریان دارد. خطوط فاصل بین جنگجویان و افراد ملکی یا مغشوشه است ویا از بین رفته. مردمان ساختورده، زنان، اطفال و افراد مریض و ناتوان همه اهداف «بی طرف» جنگ هستند. در واقعیت همه به شکل مستقیم از ستم وی رحمی تجاری دارند و عده زیادی هم قربانی ستم شده اند وهم مرتکبین چنین اعمال اند. در کشوری پس از کشور دیگری شباهت های ازین نوع وجود دارد.

جنگ های امروزی: اکثر مردم «مالکیت را قبول ندارند» در افغانستان مجاهدینی که قبلاً رضاکارانه در «جهاد مقدس» علیه اشغال کشور شان توسط شوروی سهم گرفته بودند، حالا ادامه جنگ که کشور شان را

پارچه پارچه ساخت و هم رهبران نام نهاد یا به اصطلاح آنهایرا که رهبر میخوانند، مردود می شمارند. گرچه عقیده دارند که جنگ قبلی جهاد مقدس بود، ولی ادعا میکنند که جنگ فعلی بد و «ضد اسلام» است زیرا مسلمانان در مقابل یکدیگر فقط بخاطر قدرت و برتری می جنگند نه به خاطر عدالت و صلح.

در بوسنیا، مردمان کروات و صرب تحریکات ناشی از جنگ را که جدایی و تجزیه بار می آورد، نکوهش می نمایند. آنها نه تنها درسوگ اعضای خانواده و دوستان خود نشسته اند بلکه از اعمال و روش سیاسی «رهبران» تشنه، قدرت که منتج به تشویق و فشار برای ازهم پاشییدگی و پارچه شدن ملیت ها میشود نیز متاثر اند. آنها این کار را نمی خواهند. آنها می گویند نمی خواهند در کشور هائی زندگی کنند که «نژاد برتر» دارد در کشورهاییکه مردمانش گروپ خودشان را خیر مقدم میگویند. جهانیکه از طریق چنین جنگ ساخته شده، جهان توأم با عدل نیست که آنها رضاکارانه خود را برابش قربان کنند.

در موزنیق، مهاجرین عودت کننده و مردمانیکه در خلال جنگ کشور را ترک نکرده بودند، مجدداً در پهلوی هم زندگی میکنند. آنها از صحبت در مورد جنگ اخیر می پرهیزنند. ضرورت عاجل برای از سرگیری زندگی در کشور شان مقدم برهمه اهدافی است که احساس می نمایند. قبیل بر این اهداف شان درگیری و جنگ بود که برای شان مصیبت به بار آورد.

در سریلانکا خانی با ابراز این جمله که «بطن خود را برای جنگ از دست دادم» احساس اکثریت مردم را انعکاس داد. مادران از روسيه سرويسی را گرفته و به چچنیا رفته‌اند تا فرزندان سریاز شان را به خانه برگردانند. این مادرها کاملاً در ضدیت با نیل به مقصد سیاسی از طریق اعمال خشونت آمیز بودند.

در سومالی، یک هفته بعد از بیرون شدن عساکر ملل متحد، هزاران نفر از شهروندان در جاده های موگادیشو راه پیمایی کرده و عدم رضایت و مخالفت شانرا برای آغاز مجدد جنگ توسط جنگ طلبان ابراز داشتند. آنها شعار میدادند که جنگ صرفاً تلاشی است برای بدست آوردن ثروت و قدرت توسط افراد مشخص و جنگ برای مابی هدف است.

مردمان یک کشور و کشورهای دیگر می‌گویند. جنگی که آنها در آن درگ هستند، نه عادلانه است و نه مشکلات واقعی را که مردم به آن مواجه اند، می‌گنند. آنها متذکر می‌شوند که رهبران شان آنها را برای جنگ بی هدف «به کار گرفته اند. تکیه کلام عام این است که» ما قبلاً توانستیم باهم زندگی کنیم، چ حالا می‌جنگیم؟ آنها با استفاده از الفاظ و کلمات انزجار شان را از رهبری نهایت تشنن به قدرت ابراز می‌نمایند ولی خودشان توان و قدرت ندارند تا از طریق مثمر دیگر، عکس العمل نشان دهند.

تنفر روز افزون از جنگ به صفت یک وسیله موثر برای رسیدن به اهداف اجتماعی و از جنگ سالاران بخاطر نادیده گرفتن بهای گزاری که مردم غیر نظامی در جنگ می‌پردازند، دیده می‌شود.

جنگ‌های امروزی: علل بنیادی یا عوامل جنبی؟

اکثراً گفته شده که برای ختم جنگ، باید به «علل ریشه ای» یا بنیادی آنچه کرد. این عوامل شامل فقر، تنگ نظری، محرومیت سیاسی و سایر اشکال یعدالتی است. معهذا، جنگ‌هایی که در بالا از آن تذکر رفت توسط مردمان فقر و غریب آغاز نگردیده که در جستجوی عدالت اقتصادی هستند وبا توسه آنها که در حاشیه اجتماع قرار دارند و در جستجوی شناخت سیاسی هستند جنگ‌ها توسط افراد و گروه‌هایی که دسترسی به سلاح و جنگ‌جویان ماه دارند به منظور داعیه، قدرت طلبی آغاز گردیده. گرچه این رهبران ادعا دارند که علیه بی عدالتی‌های گذشته مبارزه و جنگ می‌گنند ولی شواهد موجود گواه این امر است که عدالت و انصاف نه محرك بنیادی برای جنگ نه نتیجه احتمالی جنگ‌های شان است.

حالا از مردمانی که در ساحت جنگ بسرمیبرند، اکثراً شنیده شده که تصریح می‌کنند: در جنگی که درگیر هستند بخاطر علل اصلی نیست. آنها متذکر می‌شون که جنگ در ذات خود مشکلات تازه را ایجاد می‌گنند. بی‌رحمی‌ها و ستم، انتقام‌جویی‌ها و تنفر ناشی از این اعمال ریشه و عامل اصلی جنگ‌های آینده خواهد بود.

آنها بیکه امروز، در ساحت جنگ مساعدت می رسانند، نیاز دارند تا ارتباط مبهم و گیج کننده بین دستیابی به عدالت و ختم جنگ را که در اطراف خود می بینند، بیاموزند و به حل آن اقدام نمایند. بی عدالتی در هرجامعه وجود دارد. بشر دوستان باید همیشه در تشخیص آن مساعی به خرج دهنده و آنهای را کمک کنند که برای ازین بدن بی عدالتی سعی مینمایند. در عین زمان، تجارب اخیر نشان میدهد که درست نیست حدس زد که ادعای هر جنگجو برای رسیدن به «داعیه، ارزشمند» واقعیت دارد. هرگاه این امر واقعیت داشته باشد که باشندگان مناطق درگیر جنگ به چشم سر بینند که جنگ عدالت و انصاف را بهبود نمی بخشند، درین حالت کارمندان کمک رسانی نمیتوانند به نام عدالت با طرفین درگیر جنگ متحد شوند.

جنگ‌های امروزی: در خدمت منافع بعضی قرار دارد.

گرچه اکثر مردمیکه در مناطق درگیر در جنگ زندگی میکنند، متعهد به امه جنگ نیستند مگر افراد و موسسات صنعتی وجود دارند که منافع شان را در نداوم جنگ می بینند.

۱- آدم کش‌ها: خصوصیت مشترک و در حال رشد دریک عدد از جوامع جنگ زده، پیوستن جوانان به مليشیاهای برای کسب نام است و جنگیدن را کار زندگی روزمره شان میدانند. با داشتن اختیار محدود اقتصادی یا اجتماعی، و با پوشیدن یونیفورم و گرفتن سلاح با اشتیاق تمام عضو گروپ مسلح میشوند که اکثراً آسیب پذیر است. آنها مدعی اند که از جنگ «لذت می برند». جنگ را هیجان انگیز می دانند. با استفاده از سلاح، دیگران را وادار به انجام عملی میکنند که خود قومانده می دهند. چون دهشت افگنی، اذیت و آزار. آنها به باندیست‌هائی مبدل می شوند که فاقد دسپلین و کنترول هستند. جنگ‌ها- بعضی با هدف واقعی- به جنگ‌های آدم کشی تبدیل میشود. این جوانان هر کس را بخاطر ثروتمند شدن خود تهدید و چپاول میکنند وبا هم به خاطر لذت بردن از اتفاق قدرت بالای

دیگران به تخييف وارعاب مردم دست ميزند - اين گروه احساس ميکنند که هرگاه جنگ ختم شود همه دار وندارشان را از دست مي دهند.

۲- آشتی ناپذيرها يا ناسازگارها^(۱) در پهلوی آدم کش ها افراد دیگري هستند که سلاح بدست مي گيرند و بعداً يا قادر غيشوند ويا هم نمي خواهند که به صلح روی آرند. اين «آشتی ناپذيرها» بعضاً مردماني اند که مرتکب جرايم سنگين جنگی شده اند. آنها ميدانند که هرگاه جنگ ختم شود، مجازات خواهند شد. گروپ ديگر آنهایي اند که «داعيه» جنگ را که آنها در آن درگير اند جنبه اي آيدلوزيک داده ويدين باورند که هبيچ نوع مصالحه با دشمن امكان پذير نيست پيروزی كامل يگانه راهيست که آنها قبول خواهند کرد.

۳- تاجران اسلحه وساير سود برنديگان^(۲) علاوه از آنچه در بالا تذکررفت، شركت ها و موسسات صنعتي مولد سلاح موجوديت خود را به عرضه سلاح مربوط ميدانند، سود بيشتر را در طرح، توليد، انتقال و فروش سلاح کم وزن وقابل انتقال، سلاحيكه به سادگي پنهان ساخته شود و داراي تخنيك هاي کشنده باشد، درنظر مي گيرند. يك عده ديگر جنگ را تشديد مي بخشنيد تا از فروش اشياء منوعه در بازار هاي مختلف، سود و فايده اي قابل ملاحظه بدست آرند.

اين گروپ ها امكانات زندگي شان وابسته به در آمد حاصله از جنگي است که ديگران در آن درگير اند و از «آدم کش ها» تفاوت دارند زира آنها اختيارات اقتصادي و اجتماعي دارند. با آنهم، زندگي همه اين گروپ ها وابسته به ادامه جنگ است - تا قدرت، ثروت و موقف اجتماعي نسبی خود را بالا ببرند.

۴- امداد گران (كارکنان امور امدادي)؛ بالاخره و به شكل عجيب، پس از مدتی که مواد امدادي برای مردم مناطق جنگ زده تدارك ميشود، گروپ چهارمی نيز وجود دارد که برای تداوم فعاليت هاي خود علاقمندي خاص دارد - اين گروپ شامل افراد محلی و بين المللي اند که برای انجام کاري در موسسه، بين المللي کمک رسانی استخدام ميشوند. چون دربورها، سكرتها، محافظین گدام ها، کارمندان پروگرام ها، افراد رابط با مقامات ذيصلاح وغیره. اكثراً زمانیکه ساير اشكال

اید منظم در یک منطقه جنگ قطع میشود، آن افرادی که شامل کار در سازمان مدادی هستند، وسیله کمک مالی برای اعضای خانواده و دوستان خود میگردند. ئی این ملحوظ یک گروه قابل ملاحظه، مردم، توقف جنگ را که باعث قطع کمک مای عاجل میشود، خطری برای ادامه، حیات شان تلقی میکنند.

خلاصه:

اکثر جنگ های امروزی دارای مشخصات مشترک اند. جنگ ها نه بخاطر بدلات بلکه برای کسب قدرت شروع گردیده و در داخل سرحدات یک کشور توسط وستان و همسایگان و توسط مردمیکه احساس میکنند تحت نفوذ رهبران شان قرار ارند - و توسط آنهاییکه معتقد نیستند که جنگ هدف مثبتی را دنبال میکند، سورت می گیرد. علاوه‌تا هر قدر جنگ به درازا بکشد، گروهک های درگیر بزرگتر مده و سر انجام به ادامه، همیشگی جنگ متعهد می شوند. شناخت طبیعت چنین نگ های مشخص اولین قدم مهم در طرح مجدد پروگرام های امداد رسانی و اوگیری از ضرر رسانی وهم متیقн شدن به این امر که ظرفیت های محلی برای ج را باید حمایت کرد، به شمار می آید.

فصل سوم

امداد در ساحت جنگ: اثرات امداد چیست؟

موسسات پسر دوست و ادارات همکاری های انکشافی، کمک های شان را به شکل فزاینده در ساحت جنگ زده میرسانند. طبعاً کمک پسر دوستانه در جریان جنگ و هنگامیکه به کمک های عاجل ضرورت می افتد، برای آنهایی داده میشود که زندگی و فعالیت روزانه شان را جنگ کاملاً مختل کرده است. کمک های انکشافی در قبل و بعد از جنگ، در جاهائیکه تشنج و اختلاف هنوزهم موجود است، صورت میگیرد. درین حالت از همکاری بخاطر پیشبرد پروگرام های طویل المدت اقتصادی - اجتماعی بصورت سیستماتیک میتوان استفاده نمود. حوادث سالهای اخیر سبب شد تا کمک ها بیشتر به سایر عاجل متمرکز شود تا اینکه به موضوعات انکشافی. با این چرخش کمک از انکشافی به عاجل، مقدار کمک را که از طریق موسسات غیر حکومتی صورت میگیرد به شکل قابل ملاحظه افزایش میدهد. در دهه ۱۹۹۰، حکومات کمک دهنده و ادارات ملل متعدد بالای موسسات غیر حکومتی به صفت شرکای فعل خود حساب میکنند. درنتیجه کمک گیرندگان موسسات داوطلب را به نظر «منابع تمویل کننده، بزرگ و عاملین عمدۀ در تصمیم گیری برای ادامه کمک می شناسند» و به این باور اند که این ادارات تاثیری در بخش کمک دهی دارند.

«محصول فرعی» امداد

کمک های بشری و انکشافی در هر مرحله جنگ تاثیری بالای جنگ داشته است. تجرب نشان میدهد که چنین کمک ها یا تشنج موجود را افزایش میدهد، یا پرسه و فعالیت هائی را تقویت می بخشد که در مغایرت باهم آهنگی وی طرفیست و اثرات بی طرفانه همچو کمک ها ناممکن به نظر میرسد.

اثرات کمک های بین المللی در حالات جنگی نظر به بعضی مفاهیم محصول فرعی (by-product) شناخته میشود. اثرات، شاید منفی باشد. حتی در حالاتیکه مقاصد و اهداف آن به شکل موثر بر آورده شود (ویا عکس قضیه). به این مفهوم که کمک های بشر دوستانه شاید حیات مردم را نجات بدهد غذای مورد نیاز را تدارک کند ویا خدمات اولیه صحی را انجام بدهد، ولی در عین زمان درگیری ها را تقویت می بخشد که در قدم اول موسسات امدادی را به رسانیدن کمک تشویق کرده است. کمک های انکشافی هم مانند کمک های بشروستانه شاید در انکشاف بهبود اداره و ادامه کار آن که مردم را از نظر اقتصادی تضمین میکند، موفق باشد ولی در عین حال سبب تشدید تشنج بین گروپ ها و احتمالاً باعث برخوردها گردد. (گرچه شواهد درین مورد وضاحت کامل ندارد، تصور این امکان موجود است که امداد و کمک به اهدافیکه درنظر است نرسد. بطور مثال نجات حیات مردم یا حمایت از وضع انکشافی. ولی با استفاده از طرق دیگر، واقعاً میتوان جلو برخورد و درگیری را گرفت).

متأسفانه شواهد میرساند که امداد رسانی، اکثراً جنگ و درگیری را بدتر می سازد (هرچند از نظر رساندن کمک های بشری و انکشافی موثر هم باشد) تا اینکه در فروکش آن کمک کند. بر منبای این حقیقت است که پروژه های ظرفیت های محلی برای صلح، تشویق میشود تا راه های مناسب تر را برای برنامه ریزی جستجو نماید. در فصل های بعدی وقتی این مسایل را مطرح میکنیم، باید دور نمای روشن اثرات امداد را بر جنگ در نظر داشته باشیم. لذا قبل از اینکه به این فصل پایان بخسیم، یک نکته دیگر را نیز تذکر میدهیم.

محدودیت های اثرات مثبت و منفی کمک های بالای جنگ

ودرگیری

در حالیکه همکاری و امداد میتواند گرایش های جنگی را تشدید بخشد، کمک ها به ذات خود، سبب درگیری نمیشود. جنگ ها واقع میشوند، ادامه میابند و بنایه دلایل متعدد انجام می پذیرند. حتی اگر کارمندان بخش امداد رسانی همچیز را «بدرستی» انجام داده باشند، آنانهم اگر مردم صلح نخواهند، جنگ ها ادامه خواهد یافت.

به همین منوال، کارمندان بخش کمک رسانی صلح را آورده نمی توانند، هیچکس نمیتواند برای شخص دیگری صلح «بسازد» صلح را «حفظ کند» و یا صلح را «تقویت» بخشد. مردم و جوامع باید شرایطی را ایجاد کنند تا بر اساس آن صلح خود را پایه گذاری نمایند.

گرچه تدارک کمک در حالات و جاهانیکه در آن زد و خورد وجود دارد، همیشه تاثیری بالای جنگ دارد، اما تاثیر آن منحصر به یک سلسله عواملیست که خارج از کنترول تهیه کنندگان مواد امدادیست. با شناخت و فهم بیشتر ما از روابط بین امداد و جنگ، این موضوع در خور اهمیت است که واضح سازیم کدام یک از تصامیم ما-آنچه را که حقیقتاً کارمندان بخش امداد رسانی انجام میدهند، واقعاً میتواند موثر باشد - تغییر بزرگتر را سبب میشود. در ذیل، در حالیکه ما اثرات امداد را بر جنگ مورد بررسی قرار میدهیم، شیوه ای که شکل مشخص روی یک سلسله تصامیمی که یک کارمند بخش امداد رسانی اتخاذ میکند و اعمالیکه موصوف در حالات پیچیده و به منظور اثر بخشی متمر انجام میدهد، عطف توجه میکنیم.

فصل چهارم

با دادن امداد چه اشتباهاتی رخ میدهد؟

شاوهد از بسیاری ساحات نشاندهنده آنست که کمک های بین المللی اکثراً بجای کاهش موجب تشدید زد و خورد ها می شود. از چندین سال کمکهای انکشافی روی این باورمندی ادامه پیدا کرد که کمبود اقتصادی سبب ازدیاد تشنج می گردد. به عبارت دیگر، فقر و غربت در ایجاد تشنج سهم داشته و هم یکی از عوامل جنگ خاصتاً در جوامع فقیر میباشد. لذا چنین حدس زده شد که هرگونه بهبود و ازدیاد در تولیدات اقتصادی یک کشور، در تخفیف تشنج بین گروپ ها کمک خواهد کرد زیرا با افزایش تولیدات، سرمایه و دارایی بیشتر شده و از آن بهره گیری و لذت برده میشود. ولی شواهد فعلی این حدس و گمان راغلط و نادرست نشان میدهد.^(۳)

مثال های امروزی نشان میدهد که وقتی منابع خارجی به محیطی که مردم آن درگیر جنگ هستند و کمبود منابع وجود دارد، وارد میشود، منابع خارجی (کمک های بیرونی) به چندین طریق قابل تشخیص و پیشبینی درگیری و زد و خورد را افزایش می بخشد. این تاثیرات منفی را میتوان در دوکتگوری مرتبط باهم ارزیابی نمود.

انتقال منابع (کمک ها):

در قدم نخست، رساندن کمک در مالک جنگ زده، به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم مساعی جنگی را میتواند تقویت بخشد.

کمک مستقیم در جنگ: کمک مستقیم زمانی صورت می‌گیرد که مواد امدادی، مورد استفاده طرف‌های درگیر جنگ و به منظور تغذیه خود شان قرار گیرد. بطور مثال، مواد غذایی و سایر موادیکه توسط موسسات کمک رسانی به منطقه جنگ برده میشود اکثرًا توسط افراد مسلح دزدی شده و یا بالای این مواد تکس وضع می‌گردد و یا توسط طرف‌های درگیر در جنگ برای اعماشه واکمال عساکر شان ضبط میشود.

کمک غیر مستقیم در جنگ: کمک غیر مستقیم به چهار طبقه مشخص بوقوع می‌پیوندد.

اول: کمک‌های خارجی که بخاطر رفع نیازمندی‌های مردم ملکی رسانده میشود، سبب میگردد تا امکانات موجود محلی کلاً بخاطر تقویت قوت‌های نظامی استفاده گردد.

دوم: با کنترول راه‌های عبوری، طرف‌های درگیر جنگ قادر میشوند تا مردم ملکی را تحت نفوذ خود قرار دهند. بطور مثال طرف‌ها، مردم را مجبور میسازند تا به جاهای مشخص غرض دریافت کمک بروند و بدین طریق مخالفین خود را تضعیف و حامیان خود را تقویت کنند آنها همچنان با کنترول جریان مواد امدادی، شاید مشارکت سیاسی کسب کنند، زیرا دیده میشود که آنها توان «تدارک» مواد را برای مردم دارند.

سوم: مساعدت‌های خارجی میتواند وضع اقتصاد را مختل کرده و برگشت به اقتصاد زمان صلح را مشکلتر و احتمال آنرا کمتر نماید. بطور مثال مساعدت خارجی شاید شیوه‌های استخدام نورمال افراد ملکی را تحت تاثیر قرار دهد. بدین معنی که کارمندان ماهر ملکی که معاش شان مناسب نیست از کار ملکی دست میکشند. وقتیکه این افراد برای کار امداد رسانی در حالات جنگی استخدام می

شوند، روش زندگی و معیشت و توقعات شان در پیوند با اندازه معاشات به شکل حیرت انگیز عوض میشود، زیرا آنها با گرفتن مزد خوب عادت میکنند. تجارت نشان داده که برگشت این افراد به کارهای که عاید یا معاش کم دارد، اکثرًا مشکل برای شان تمام میشود. به همین شکل با پر کردن مارکیت توسط اشیای وارد شده از بیرون (تنزیل قیم) ویا با ازدیاد تقاضا (وگرانی اشیاء) برای مواد محلی، مساعدت های خارجی سبب اخلال قیم و انگیزه کار میشود. اثرات قبول شده، امداد مواد غذایی که از بیرون کشور صورت میگیرد، بالای قیم مواد غذایی و دست آوردها مثالیست از مطلب اولی. تاثیرات شناخته شده در قیمت منازل که از آمدن تعداد زیاد کارمندان بین المللی ناشی میشود، مثال مطلب اخیر است.

چهارم: سرازیر شدن کمک های خارجی در جاهائیکه کمبود مواد وجود دارد و مردم باهم درگیر جنگ هستند، اکثرًا منتج به تشدید بدگمانی، دشمنی و رقابت برای کسب پول و قدرت بین گروپ های جنگ طلب میشود. داشتن منابع مالی، وسایل و پول، غایندگی از قدرت میکند؛ نزاع و جنگ برای قدرت است. کمک ها از هر نوعی که باشد «ستیزه جوئی» دیگری را بیان می آورد، یک منبع دیگر قدرت را، که هر یک از گروپ ها راههای کنترول و انحصار آنرا جستجو میکنند.

پیام های بلاقردید اخلاقی:

یک غونه، عمدۀ دیگر که بوسیله آن مساعدت ها و امداد، بطور غیر عمدى و سهواً، نزاع و برخورد را تقویت می بخشد پیامهای است که امداد با خود دارد. پیام صریح، روشن و عمدى مساعدت ها، پیامیست بشر دوستانه و حاکی از ترحم. با دادن کمک، جامعه کمک کننده اعلان میدارد که رنجیده ها مستحق امداد بشر دوستانه اند و همه شهروندان ملکی حق دارند. از این کمک ها بدون هر

نوع همبستگی های سیاسی در زمان جنگ، بخاطر زنده ماندن بهره مند شوند. معهذا، با وجود صراحت این پیام ها، تجارب نشان میدهد که طرق انتقال مواد امدادی نیز حامل پیام های مشخص اخلاقی است که غالباً برخورد را تشدید می بخشد. چهار نوع از اینگونه پیام ها وجود دارد که سبب ادامه جنگ و برخورد می شود. (۴)

پذیرفتن شرایط افراد درگیر جنگ:

اول، شاید مواد امدادی به طرقی تدارک گردیده باشد که در مطابقت با قبولی شرایط جنگی باشد بطور مثال، وقتی ادارات کمک دهنده افراد مسلح را برای محافظت موادی که انتقال میدهند، استخدام می نمایند و با زمانیکه این ادارات با گروه های درگیر در جنگ برای رساندن کمک به نیازمندان ملکی مذاکره میکنند، طرفین در پاسخ میگویند، این حق مشروع برای سلاح داده شده تا تصمیم بگیرد که چه کسی دسترسی به مواد امدادی داشته باشد و چگونه آنرا بگیرد. ادارات کمک دهنده انجام چنین کار را بخاطری موجه میدانند تا از انتقال مواد به اتباع کشور که واقعاً نیازمند اند، متین گرددند. گروه ها ادعا دارند که استفاده از سلاح ومذاکره کردن به منظور یک داعیه «خوب» یعنی نجات دادن حیات است. ضعف این ادعا درین است که سایر گروه ها نیز ادعای بالمثل میکنند. آنها میگویند بخاطری به سلاح متوصل میشوند تا کار «خوبی» انجام دهند. استفاده از سلاح، بخاطر این انگیزه، بقدر کافی، موجبه به نظر نمیرسد.

بخشیدن مشروعیت برای جنگجویان:

دوم، با کاربرد طریقیکه مواد امدادی انتقال یافت، ادارات کمک دهنده شاید به رهبران گروه های درگیر در جنگ قانونیت قایل شوند که در نتیجه نیرومندی شانرا تقویت و حق به جانب بودن شانرا تائید نمایند. بطور مثال وقتی امداد گران بخاطر رسانیدن مواد امدادی با گروه حاکم در یک منطقه به مذاکره می پردازنند، این عمل به ذات خود حامل پیامیست که گروه متذکره از مشروعیت قانونی

برخوردار است و حق دارد تصمیم بگیرد که کدام اشخاص، چگونه و چه وقت از کمک های خارجی بهره مند شوند.

تاثیرات منفی امداد بالا از ارزش های زمان صلح:

سوم، مساعدت ها شاید ارزش های را که در زمان صلح حائز اهمیت باشد تحت تاثیر قرار دهد. طرز زندگی کاره مدان بین المللی در فرهنگ محلی و معاشرت آنها با مردمان همان محل پیام های مفهوم شده را با خود دارد. نگرانی صرفاً بخاطر مستریح بودن و مصنوونیت کارمندان بین المللی موسسات داوطلب و نه بخاطر کارمندان محلی و سایر مردمان آن محل، حامل پیام تفاوت های ارزش. حیات است که در جوامع دریافت کننده، کمک از بین نرفته است.

ضایعات مازاد مساعدت ها و مواد امدادی و عدم توجه کشورهای کمک دهنده در امر حسابگیری از کارکنان موسسات حاکی پیامی است که آنها (موسسات) به هیچ مرجع مسئولیت ندارند. هرگاه برای کارمندان بین المللی قابل قبول باشد که پترول یا مواد غذایی را که قلت دارد بیهوده صرف کنند وبا در برابر تاثیرات امداد شان برای گروپهای مختلف جامعه چون زنان، و مردان بی توجه باشند، درین حالت برای مردمان محل نیز بی تفاوت است که اشیای امدادی را اختلاس کرده، از آن ها غرض فراهم سازی تسهیلات برای شخص خود کار بگیرند. درین صورت است که حسابدهی و حسابگیری متاثر میشود.

تشدید خصوصیت:

چهارم، سلوک و طبیعت برخورد ادارات کمک رسانی میتواند خصومت و دشمنی و خشونت را تشدید بخشد. بطورمثال، در اشتهراتیکه به مقصد جمع کردن پول تهیه می نمایند، اکثراً از برخورد های خشونت آمیز و بی رحمانه تذکر میدهند که توسط یکی از طرفین جنگ بعمل آمده و بدینگونه احساسی را بیان می آورند که فلان گروپ روش غیر انسانی دارد. این پیام ها تشنجات موجود را شدت داده و حس بدینبینی مردم محل را بر می انگیزد.

طبقه بندی های مرتبط با هم

دو فونه را درین مقطع تذکر میدهیم که مساعدت ها و امداد میتواند سبب فزونی برخورد و درگیری شود. این دو اکثراً با هم مرتبط اند تا اینکه از هم تحرید شده باشند. بطور مثال، فهمیده میشود که شاید مواد به سرقت رفته و به حمایت مستقیم گروه های درگیر جنگ قرار گرفته. شاید یک اداره کمک دهنده عده از محافظین مسلح را برای جلوگیری از این عمل استخدام کند. مگر قسمیکه تذکر رفت استخدام محافظین مسلح حامل پیام روشن و صریح اخلاقی است که استعمال اسلحه را در تصمیم گیری دسترسی به مواد امدادی بجا میداند. عملیکه یک اثر منفی را خنثی میسازد و شاید منتج به عمل منفی دیگری شود. یا قسمیکه تذکر رفت، ادارات امداد رسانی برای رساندن کمک به نیازمندان با طرف های درگیر جنگ مذاکره کنند و زعامت گروه شاید ازین مذاکره برای کسب «قانونیت» «پیام صریح اخلاقی» و تحت نفوذ قرار دادن افراد منطقه ایکه مواد امدادی برای شان میرسد «نتیجه غیرمستقیم انتقالات مواد» استفاده نماید. درین حالت اعمال ادارات کمک دهنده شاید منتج به وخیم شدن درگیری گردد.

در حالیکه استفاده ازین دو طبقه بندی برای آشنا شدن با تاثیرات امداد رسانی بالای جنگ سودمند است، در عین زمان این طبقه بندی ها با هم مرتبط اند. تحلیل اثرات امداد رسانی، ایجاد می کند که ما تاثیرات مادی و معنوی تصامیم و اقدامات خوش را که بخاطر امداد رسانی اتخاذ میکنیم، بر ملا سازیم. در فصل آینده قدم دیگری به پیش می گذاریم و به بررسی تجارتی که آموخته ایم می نشینیم - یعنی چگونه میتوان از اثرات منفی چند جانبی کمک رسانی و امداد جلوگیری کرد.

فصل پنجم

چگونه میتوان ازین اثرات منفی جلوگیری کرد: سوگند (هیپوکراتیک) در اعطای امداد

دокتوران طب همینکه بعد از فراغت و اخذ سند تحصیلی به طبابت آغاز میکنند، آنها «سوگند میخورند» در این سوگند خاطر نشان میشود که در مسلک طبابت خطراتی هم وجود دارد که بعضاً تداوی مرض میتواند خطراتی را به مریض بیار آورد روی این ملاحظه قسمت عمده سوگند، تعهدیست از طرف دوکتوان که آنها «در قدم نخست نباید ضرر برسانند». چنین نظر داده شده که کارمندان کمک رسانی نیز چنین سوگند را یاد کنند.^(۵) با فهم این مطلب که عرضه کمک های بشری ویا همکاری های انکشافی ولو با رغبت تمام صورت بگیرد، بازم میتواند به شکل غیر عمدى ضرر برساند. این کارمندان هکذا باید اعلام بدارند که «اولاً آسیب نرسانند».

ولی آیا چنین یک تعهد مفهومی خواهد داشت؟ آیا این امکان موجود است تا از بروز اثرات منفی همکاری و امداد که در بالا تذکر داده شد، جلوگیری نمود؟ تجارتیکه از اکثر ساحات درگیر جنگ بدست آمده نشان میدهد که بروز اثرات منفی در امداد رسانی اجتناب ناپذیر نیستند. تجارت نشان میدهد که

کارمندان امداد رسانی روشن های متعددی را در امر امداد رسانی دارند که میتوانند بادر نظرداشت حالت، یکی از آنها را انتخاب نمایند. ازین همه این روش ها باید همان یک را انتخاب کرد که بر خورد موجود را تشید نبخشد.

عقیده، فقط انتخاب این یا آن

در حالات جنگ، کارمندان بخش امداد رسانی اکثراً «این/ یا آن» عقیده را در عملکرد شان انتخاب میکنند. بطور مثال آنها احساس میکنند که یا باید افراد مسلح را به منظور محافظت انتقال اموال امدادی استخدام کنند یا این احتمال را در نظر بگیرند که مواد به نیازمندان آن نخواهد رسید زیرا توسط طرف های درگیر جنگ به سرقت خواهد رفت. آنها احساس میکنند که یا باید شرایط جنگجویان محلی را در امر انتقال مواد امدادی که بالای شان جبراً قبولانده می شود بپذیرند یا از ساحه ایکه تحت کنترول جنگجویان است. بیرون شوند و در آن جا فعالیت نکنند. آنها احساس میکنند که یا باید از تصاویر و داستانهای وحشت انگیز جنگ استفاده کنند یا در غیر آن صورت قادر نخواهند بود تا پول کافی را بدست آورند تا به نیازمندان و قربانیان جنگ کمک رسانند.

(ولی جهان به ندرت چنان روشن است که باید باشد)

کارمندان ادارات کمک رسانی در ساحه، به یافتن علی البدل هائی توفيق یافته اند که زمینه دزدی و کنترول غیرمجاز و ناروا را در کار شان از بین برده است. طرق متعددی برای توضیع اثرات جنگ وجود دارد تا سخاوتمندی کمک دهنده را جلب کرد بدون اینکه از غایاندن تصاویر غیر انسانی قربانیان ویاعاملین آن استفاده نمود.

در ذیل دو مثالی را تذکر میدهیم که تدارک کنندگان مواد امدادی هنگام تهیه مساعدت به آن رویرو بودند وسیعی میکردند تاضرر نرسانند، هریک ازین مثالها دزیرگیرنده معضله ایست که در بالا در انتقال مواد ویا در رسانیدن پیامهای تلویحی اخلاقی، اثرات منفی به بار آورده است. در هر یک ازین مثالها،

طرق متعدد انتخاب برای جلوگیری از اثرات منفی تقدیم شده است. این علی البدل ها از تجارب واقعی در ساحه جمع آوری گردیده است. چنانکه روشن خواهد شد هیچ یک از راههای انتخابی که در ذیل توضیح میگردد در همه جا عملی نخواهد بود. هدف از تذکار و توضیح این راه ها به کارمندان بخش کمک رسانی واضح میسازد که آنها مقید به «این یا آن» نیستند. تجارب نشان میدهد که چگونه درین قضایای کوچک ارایه شده امکان انتخاب طرق مناسب برای انتقال مساعدت ها حتی در محدوده، جنگی وجود دارد.

مثال اول: دفع دزدیدن مواد، بدون استفاده از سلاح.

- < **هدف تدارک کننده، کمک:** انتقال اشیاء از نقطه، الف (ذخیره گاه) به نقطه، ب (جائیکه به نیازمندان توزیع میشود).
- < **پروبلم:** گروه های جنگجو و قطاع الطريقان در ساحه نفوذ دارند، احتمال دزدی اشیاء زیاد است.

< انتخاب راههای موثر

۱ - در سومالیا، چندین اداره امداد رسانی با بزرگان قبیله، محلی طی یک صحبت گفتند، «هرگاه شما مصنوبیت کارمندان و اشیائی را که باید برای تان کمک کنیم، تضمین کرده نمیتوانید، مجبور خواهیم بود تا از برنامه کمک رسانی خود درینجا دست بکشیم». بزرگان محل مسئولیت جلوگیری از سرقت مواد را به عهده گرفتند.

۲ - در چندین منطقه، جنگ، ادارات کمک دهنده به این نتیجه رسیدند که استخدام یک تن از تاجران محلی، انتقال مواد را بدون هرگونه برخورد تضمین میکند. ادارات پس از رسیدن اشیاء به جای مطلوب، دستمزد این خدمات را می پردازند. تاجر محلی خودش مصنوبیت انتقال مواد را طوریکه میداند طرح و عملی می کند، و اداره کمک دهنده مصرف انتقال و بیمه را می پردازد.

۳- یک عده ادارات کمک رسانی وقوع دزدی را با دسته بندی مواد از نظر کمیت و آنچه که احتمال دزدی را داشته وبا کمتر میسازد، بررسی میکنند بعضی اوقات، مواد امدادی که پر حجم نبوده و پنهان کردن آن آسانست (چون پول) کمتر در معرض خطر سرقت قرار میگیرد. زیرا پول را میتوان بدون استفاده از کاروان وسایل نقلیه و جلب توجه دزدان احتمالی انتقال داد. بعضاً عکس قضیه صدق میکند: بطورمثال در یک ساحه رادیوهاییکه به خانها توزیع میگردید به سرقت میرفت (یا توسط اعضای خانواده های شان غصب میگردید). اداره کمک دهنده رادیوها را با رنگ طلایی روشن رنگین کرد. سرقت رادیو خاتمه یافت زیرا هر کس میدانست که اگر مردی از این رنگ رادیو استفاده میکند آنرا از خانی غصب کرده است! درساير حالات، اشیائی انتخاب میشد که ارزش محلی آن پائین تر از ارزش اشیائی از همین جنس میبود (بطور مثال ارزش جواری محلی با انواع گران بهای دیگر آن). این کار بخاطری صورت میگرفت تا توجه دزدان احتمالی را کمتر ساخته باشد.

۴- در کمبودیا یکی از ادارات تعدادی از خریطه های پول معاش را دو هفته یکبار از مرکز به محل دوردست برای کارمندان خود توسط طیاره، ترانسپورتی انتقال میداد- روی خریطه ها «گندم» نوشته شده بود. به مجرد رسیدن طیاره به میدان هوایی محلی، اداره مذکور به عوض اینکه خریطه ها را بالای لاری ها بار کند و کاروان مسلح آنرا به دفتر برای توزیع برساند، انواع وسایل نقلیه کوچک وغیر مسلح را که هر کدام یک یا دو خریطه پول را حمل میگرد، استفاده نمود. وقتی طیاره به زمین می نشست، یکی از خریطه ها در پشت بایسکل، دو دیگر در تول بکس موتور خورد، چندین خریطه در لاری پک آپ و دیگر خریطه ها در بالای یک تراکتور زراعتی وغیره وسایل نقلیه، به منزل مقصود رسانیده می شد. این وسایل از میدان با استفاده از راههای مختلف که به شهرک منتهی میشد، رهسپار می شدند. هرگاه یکی ازین وسایل ریوده میشد، ضایعات آنقدر زیاد غیبود، ونه به تلاش دزد منفرد می ارزید.

۵- در افغانستان اکثر ادارات کمک دهنده، در راه عزیمت از یک ساحه به ساحه دیگر که به غرض توزیع مواد امدادی صورت میگرفت همیش مورد دستبرد قرار می گرفتند. یکی ازین ادارات سرانجام با اخذ این تصمیم که نباید هیچ منطقه را از نظر دور داشت، به دستبرد پایان بخشدید. این اداره پروگرام امداد رسانی خود در یک شهرک آغاز و از آن به شکل مرکز واحد، فعالیت خود را به تمام قرائیکه در اطراف شهرک و در امتداد سرک عمومی قرار داشت انجام داده بدینگونه، امداد به همه ساحات و قراء رسید و سرقت متوقف شد.

۶- در یک منطقه روستایی افريقا، موضوع انتقال مواد امدادی هیچگاه اعلان نمیشد، انتقالات به شکل غیرمنظم و مطابق به تقسیم اوقات پیش بینی ناشده صورت میگرفت. حاملین مواد هر بار از راههای متفاوت استفاده میکردند. راز داری و اختفاء معنی تقلیل بخشیدن دزدی را میدهد.

۷- در یک منطقه دیگر روستائی افريقا، همه انتقالات از طریق رادیو، بلند گوها، میگافون و هر وسیله ممکنه دیگر اعلان نمیشد، دزدی تقلیل یافت. مردمیکه به توقع رسیدن امداد، دزدان احتمالی را مسئول می پنداشتند خود به خاطر منفعت شان، نقش محافظ را در انتقال مواد بازی می کردند و از دستبرد مواد جلوگیری نمودند.

۸- در تاجیکستان بعد از جنگ، انتقال ماهانه مواد تعمیراتی برای ساختمان خانه ها (خاصتاً موادیکه برای پوشش سقف) از آن استفاده میشد در معرض خطر دزدی از گدام ها و جاییکه محموله از قطار تخلیه میشد ویا از انبارها، قرار میگرفت. کارمندان مسئول انتقال این مواد، سرعت عمل در توزیع آن را مسئله مهم تلقی کردند. روی این ملاحظه، ب مجردیکه مواد تعمیراتی میرسید در یکروز توزیع میشد. این کار ایجاب میکرد تا تعداد کافی افراد برای ساعت بیشتر، از سپیده دم تا شبانگاهان، مصروف شوند. هیچ یک از این افراد تا وقتیکه مواد را برای اهالی قراء توزیع نمیکردند - به اقامتگاه شان بر نمی گشتنند. با کاربرد این روش، دزدی اصلاً معضله نی نبود.

مثال دوم: استفاده از انتقال منابع به منظور بیوستن مردم با هم - نه از هم یا شیدن شان.

< **هدف تدارک کنندگان مواد امدادی:** تدارک مواد برای رفع نیازمندی های مردم در یک جامعه نیازمند.

< **مسئله:** به خاطر موجودیت تشنج بین گروپها، تدارک مواد به یک گروپ، احتمال تشدید تشنج با گروپ دیگر را بیان می آورد - چه هر گروپ سعی میکند متیقن شود که از طرف ادارات کمک دهنده مورد لطف بیشتر قرار گیرد.

< **انتخاب راههای موثر:**

۱ - در یک منطقه آسیب رسیده، روستایی فلپین، یکی از ادارات کمک دهنده، از باشندگان قریه تقاضا کرد تا قبل ازینکه مواد امدادی به آنجا برسد، نیازمندان را طبقه بندی نمایند. اهالی قریه باشندگان را به چهاربخش تقسیم کردند، بهتر از همه اینکه آنها تشخیص دادند که کدام افراد درین تقسیم بندی شامل میشوند. این چهار طبقه عبارت بودند از غریبترین ها، غریب ها، طبقه متوسط الحال و طبقه بالاتر از متوسط. در واقعیت امر، در جریان کار این یک مسئله قابل افتخار پنداشته شد که گفته شود «من آنقدر به کمک نیاز ندارم که آقای فلان دارد». به این ترتیب مردم رضا کارانه نام خود را، به نفع آنها نیکه بیشتر نیازمند کمک بودند، از لست حذف کردند و روحیه همکاری و نوع دوستی در محل، جای رقابت ها و مبارزه برای دسترسی به مواد را گرفت.

۲ - در یک مرکز مستقر در بیت المقدس، یکی از ادارات به ایجاد مراکز مرتبط و موازی با هم ولی مستقل اقدام ورزید - یکی برای زنان فلسطینی و دیگری برای زنان اسرائیلی. مبالغ مساوی برای هردو مرکز تشخیص داده شد. این دو مرکز قادر به همکاری برای حل مسائل و برنامه هایی شدند که جنبه مشترک داشت. ولی هر دو مرکز، در سایر جنبه های برنامه ریزی و برخورد با مسائل خاص که دارای اهمیت ویژه در اجتماع شان بود، آزادی کامل داشتند.

۳- در بوسنیا، یک اداره که در چندین محل درگیر جنگ، نایندگی داشت، توانست تا نایندگان ساحات مختلف را دورهم گرد آورد - نه به منظور مذاکره برای صلح - بلکه برای تبادله اطلاعات راجع به اینکه چگونه با کمبود ها و مشکلات ناشی از جنگ مقابله کنند. بعد از چندین جلسه، ادارات محلی به تقسیم منابع برای چندین پروژه مورد نظر هر یک شان به موافقت رسیدند. (بطور مثال تهیه طرز العمل برای کمک های اولیه)

۴- در تاجکستان، اداره ایکه فعالیت خود را در اعمار منازلیکه در جریان جنگ ویران شده بود، متمرکز ساخته بود، دریافت که این عمل اداره معنی نفع رسانیدن به یک طرف منازعه است یعنی بازندگان جنگ که متحمل خسarde بیشتر از ناحیه تخریب منازل شده بودند، نفع میبردند. برای رفع تشنج ناشی ازین عمل، این اداره غیر حکومتی سعی ورزید تا مردمان هر دو ملت را متیقن سازد که در تیم باز سازی، افراد هردو گروپ شامل بوده در مقابل کارشان دستمزد و غذا میگرفتند. با این هم، موفقیت در یک محدوده قرار داشت زیرا تعداد زیاد افراد قرائیکه تیم را تشکیل میدادند مربوط ملت واحد بودند. و این موضوع تصنیعی خواهد بود اگر پاشاری شود که مردمان از یک قریه به قریه دیگر برای اعمار منازل دیگران می روند. سرانجام، اداره مذکوره تیم «پاک سازی» را تشکیل داد که توانستند در جاهای عامه - پیاده روها، کانال های آبیاری برای زراعت وغیره کار کنند، که برای هر دو طرف سود آور بود. ادارات برای دریافت فرصت هائیکه هردو طرف را در کار مشترک سهیم سازد - ادامه دادند.

۵- در موزنیق چندین اداره امدادی دریافتند جاده هائیرا که آنها بخارط تحويل مواد امدادی به ریناموی قبلی بازسازی کرده بودند - بزودی مورد استفاده مردمان هر دو محل غرض انتقال اشیاء به مارکیت و بازار های مشترک و وسیله تفاهم بین دو گروپ قرار گرفت.

۶- در یک منطقه، دیگر بعد از جنگ، یکی از موسسات غیر حکومتی دستگاه تولید پشم را در یک قریه که یک جناح درگیر در جنگ را تشکیل میداد و دستگاه تولید گلیم را در قریه دیگر که طرف مقابل را میساخت، تاسیس نمود. هر یک ازین قراء از نظر وظیفه و موفقیت در آن به قریه دیگر متکی شد، گلیم بافان برای مولدین پشم بازاریابی کردند و مولدین پشم برای گلیم بافان تا تولید پشم را بیشتر کنند. بدین طریق طرفین مخالف از نظر اقتصادی بهم پیوند خوردن و بدون جبر واکراه در پهلوی هم، درست اندکی پس از جنگ به کار شروع نمودند.

۷- در امریکای مرکزی یکی از ادارات کمک دهنده، دست به تاسیس موسسات تولیدی برای معیوبینکه جنگجویان سابقه بودند زد. معیوبینکه در جناهای مخالف جنگیده بودند برای کار استخدام شدند. این مسئله برای معیوبین به مصابهء خصوصیت مشخص استخدام مبدل کشت، آنها ازینکه در صف مقدم مصالحه قرار داشتند و در این راه سعی میکردند، بخود می بالیدند و میگفتند: «وقتی ما یک پای خود را از دست دادیم همه یکسانیم».

۸- در لبنان یکی از موسساتیکه در خلال جنگ خدمات صحی را برای اهالی ملکی انجام میداد (اکثراً بخاطر مصوّنیت مردمان و تغییر محل جبهه جنگ کلینیک های خود را بجای دیگر انتقال میداد) در مرحله بعد از جنگ در صدد آن شد تا کلینیک های خود را در خطوطی ایجاد کنند که به اثر جنگ حد فاصل شناخته شده بود. به این ترتیب همسایه گان قبلی که از اثر جنگ از هم جدا شده بودند - پهلوی هم قرار گرفتند و در انتظار رسیدن نوبت برای گرفتن کمک های صحی بودند درین انتظار آنها اطفال خود و همسایگان خود را مشغول بازی می دیدند. برای آنها فرصت جدیدی دست داده بود تا گرد منفعت مشترک (وضع صحی خوب برای اطفال شان) جمع شوند.

باید توجه داشت که مثالهای فوق از شرایط خاص غایندگی کرده و تا پیمانه ای در تخفیف اثرات منفی کمک رسانی، در ساحات بخصوص مفید واقع گردیده.

با درنظر داشت دلیلیکه تذکر داده شد، هیچ یک ازین نمونه‌ها و مثالها در هر جا، کار نخواهد داد. بعضی ازین مثال‌ها شاید به ندرت و بعضی شاید به بسیار سادگی در جاهای مختلف قابل انتقال و تطبیق باشد.

قسمیکه در بالا تذکر رفت، منظور از توضیح مثالها، نشان دادن موجودیت انتخاب راه‌های موثر است. که به عقیده ما در هر شرایطی میتواند اثرات منفی کمک رسانی را تضعیف کند. بادرک و فهم کافی مثالها که سبب افزونی تشنجهای میشود و با استفاده از تفکر باز و تصور درست، کارمندان کمک رسانی شاید بتوانند به روش‌های جدید برای انتقال مواد امدادی دست یابند که برخورد های موجود را تقویت و تشدید نخواهد کرد.

در فصل نهم این موضوع را مورد بحث قرار خواهیم داد که چگونه و تحت چه نوع شرایط، میتوان اثرات احتمالی هر یک از راه‌های انتخابی را « نقطه به نقطه تعین کرد » و در نتیجه بهترین تصامیم را ازجمع راه‌های انتخابی، اتخاذ نمود. ولی اولاً به « جهت مثبت » کمک رسانی می پردازیم. آیا همچنان ممکن است که تدارک مواد امدادی نه تنها ضرر نرساند بلکه مفیدهم واقع شود ؟ چه مثالهایی از اینگونه امداد رسانی داریم ؟

فصل ششم

اثرات مشبت امداد بالای درگیری و جنگ

تجارب ساده همچنان غایانگر این حقیقت است که کمک های انکشافی و بشری این قدرت را دارد تا مردم محل را نیرو دهد که از درگیری دست بکشند و سیستم های علی البطل را برای حل پرابلم های شان که سبب تصادمات میشود ایجاد نمایند. کمک های بیرونی میتواند از ظرفیت های محلی برای صلح که قبل وجود دارند حمایت نمایند. این کمک ها میتوانند ظرفیت های ابتدائی را هم به نحوی حمایت کند تا مردم بتوانند از روش های غیر جنگی که بدون این کمک ها برای شان مقدور نخواهد بود - کار بگیرند.

حمایت از ظرفیت های موجود محلی برای صلح

دریخش های قبلی متذکر شدیم که حتی در بدترین حالات جنگ، ظرفیتهای محلی برای صلح همیشه وجود داشته این ظرفیت ها در مردم وجود دارد. بعضی از افراد و گروپ علی الرغم آنچه در دور و برshan اتفاق می افتد، به شکل شعوری و به فرمان وجدان، نقش های زعامت را در رجنگ و انکشاف صلح به عهده می گیرند. بعضی مردم به طور ساده به زندگی ادامه داده، یا از سیستم های موجودیکه بیانگر (و حمایه گر) صلح قبلی است، به رسم عادت، بخاطر آسوده Hallی

و با احساس اینکه تفرقه اندازی ناشی از جنگ معنی ای ندارد حمایت می‌کنند ظرفیت‌های محلی برای صلح، در اعمال و روش مردم و پرسوه‌ها و سیستم‌هایی که مردم در زندگی عادی به آن سرکار دارند، وجود دارند. این عناصر در تصمیم‌گیری اثرات نیرومند مثبت کمک رسانی به همان پیمانه اهمیت و واقعیت دارند که در اعمال و کردار و سیستم‌های جنگجوان قابل اهمیت است.

اقدامات: ظرفیت‌های صلح در انجام اعمال عرض وجود می‌کنند که توسط آنهاییکه به شکل شعوری در مخالفت با جنگ اند وبا توسط مردمانیکه صرفاً با پا فشاری در انجام آنچه را که «عادی» تلقی می‌کنند، عملی می‌شود، ظرفیت‌ها شامل افرادیست که در امتداد خطوط جنگ قرار داشته وبا آنهاست که توقعات شان روی آینده‌های مشترک بنا یافته است.

روش‌ها و طرز تفکر : ظرفیت‌های صلح همچنان به شکل روش و طرز دید درجایی وجود دارد که مردم علیه «دشمن» بدون تعصب عمل می‌کنند، از دیوصفت ساختن گروپیکه بآنها در جنگ اند اباء می‌ورزند. این حالات زمانی دیده می‌شود که مردم قصه‌های افراد طرف مقابل را می‌کنند. افرادیکه علی الرغم وبا وجود جنگ در نتیجه آلام در سخاوت مشترک، شجاعت و کمک متقابل در زیر آتش، باهم دوست شده وبا باقیمانده اند.

پرسوه‌ها / سیستم‌ها : ظرفیت‌های صلح در پرسوه‌ها و سیستم‌های موجود که گروپ‌ها را بهم مرتبط می‌سازد، دیده می‌شوند. این‌ها میتوانند شامل سیستم‌های منابع آب و برق، سیستم‌های مفاهمه و مخابرات وبا گروپ‌های ملکی ضد جنگ، کنفرانس‌های صلح وسایر سازمان‌های مرتبط بهم (وقتیکه به صورت هدفمند دایر می‌گردند) باشند.

ارتقاء دادن ظرفیت‌های ابتدایی برای صلح

در پهلوی ظرفیت‌های موجود برای صلح که میتوان آنرا در جوامع درگیر جنگ پیدا کرد، هستند مردمانی که در برخورد درگیر شده اند ولی با دادن فرصت

ویا تشویق نمودن شان، آنها آرزو دارند (حتی میخواهند) تا خود را کنار بگذشند. این ظرفیت های ابتدائی برای صلح فرصتهای را میسر میسازند تا با استفاده از آن کارمندان موسسات داوطلب بتوانند برنامه را تقدیم و عملی کند تا باشد که امداد شان اثرات مثبت بالای درگیری و نزاع داشته باشد.

در جنگ های داخلی که در مناطق مسکونی بوقوع می پیوندد، برای اکثر مردم مشکل است تا خود را از درگیری وارهانند. گرچه این مردم از جنگیکه در آن درگیر اند، نفرت دارند، خاموشی خود را حفظ و در اعمال، روش ها و طرز دیدیکه بالای شان جنگ تحمیل کرده، سهیم میشوند، زیرا آنها توضیح میدهند که خاموشی و سهیم بودن در اعمال و کردار، برای زنده ماندن شان امر ضروریست. وقتیکه پیوند های ملیتی معیار تصمیم گیری مردم برای اعتماد کردن، خوش داشتن و حتی زنده ماندن کسی میشود. خطناک است تا علیه این ویا آن گروپ صحبت کرد ویا مرتکب عملی شد. وقتی مردم جرأت کردنده تا جنگ را در انتظار عامه مردود بشمارند، این عمل شان به مثابه عدم وفاداری تلقی شده و آنها متحمل خشونت، فحش و ناسزا گردیده در بعضی حالات، به دست افرادی از ملت خودشان به قتل رسیده اند. (۶)

وقتی اکثر مردم جنگ شانرا «از خود» نمیدانند و راهی نیز برای ابراز چنین احساسات ندارند درین حالت چنین به نظر میرسد که فرصت خاصی برای امداد گران خارجی دست میدهد تا برنامه های شان را قسمی تنظیم کنند که علاوه از تدارک مواد مطلوبه، زمینه، مسئونی را برای مردم فراهم سازند بطوریکه مردم تشویق شده از طریق غیر جنگی عمل ویا ابراز نظر نمایند.

مکان، صدا و محرکات (عواملیکه باعث تشویق میشود)

تدارک کنندگان مواد امدادی، شاید از امداد به صفت یک میکانیزم برای دسترسی به اثرات مثبت بالای درگیری، از طریق حمایت از ظرفیت های موجود برای صلح و از طریق ارتقای ظرفیت های ابتدائی برای صلح، استفاده نمایند. در هر

دو حالت امداد شاید فضا و مکان مصنون را ایجاد و یا توسعه بخشد تا در آن مردم با استفاده از طرق غیر جنگی صحبت و عمل کنند. علاوه بر این، امداد، میتواند عوامل محرك مثبت را تدارک کرده و مردم را در اجتناب از برخورد تحریک و تشویق نماید. (۷)

ایجاد فضا و مکان

در ارائه پروگرامهای امدادی، ادارات کمک دهنده، میتوانند فضا و مکانی را برای مردم ایجاد نمایند تا بتوانند با «طرق غیرجنگی» عمل کنند و یا جائیکه مردم بتوانند با «طرفین مقابل» جنگ در فعالیت های مشترک سهیم شوند. بعضی اوقات ادارات کمک رسانی میتوانند از طریق پروگرام های شان که به منظور ایجاد اعتماد که بیانگر امکان پذیری صلح است - مردم را وادار سازند تا به آینده مشترک بنگردند.

زمینه برای بلند کردن صدا

به همین شکل، ادارات کمک دهنده، میتوانند به ایجاد مجالسی بپردازند که در آن نه جنگ، بلکه صلح، مورد بحث قرار گیرد در بعضی حالات، ادارات متذکره میتوانند قدم های صریحی را در «جادادن صلح در اجندای مجلس بخارط آنهایی بردارند که راه مصنون دیگری برای بحث روی مسایل مصالحة و مشارکت همگان در روند صلح ندارند».

ایجاد حرکات (عوامل ترغیب کننده)

ادارات کمک دهنده، از طریق برنامه های منظم شان، همچنان میتوانند برای ابراز حقیقت، سهل سازی بعضی چیزها و مشکل ساختن چیزهای دیگر، از منابع پولی شان، از چیزهای که به آن دسترسی دارند، از اشیاء و توانگندی شان استفاده نمایند. در حالیکه بسیاری از مسایل در اعطای کمک های «مشروط» که باید

مورد بررسی قرار گیرد، توافقنده و درک عرضه، کمک های مالی و سایر کمک ها در برابر بعضی خدمات، میتواند در بعضی حالات، نیروی مهم درباری رساندن مردم برای گزینش از جنگ باشد. به همین ترتیب قابلیت دسترسی به وسائل ارتباط همگانی، یا در موقعیت های بالا قرار دارند، یا به آراء عامه، بین المللی، شاید راههای را برای مردم محل غرض یافتن چاره های مناسب تر باز نمایند که آنها به تنها میتوانند موفق به چنین کاری شده نباشند. تجارت همچنان نشان داده که استفاده نادرست از اطلاعات، نیز نقش بارزی در تحریک مردم برای جنگ دارد. ادارات کمک دهنده در خشی کردن تبلیغات تحریک آمیز جنگ میتوانند نقش بگیرند - حتی در اوقاتیکه مصروف تطبیق پروگرامهای امداد رسانی باشند - و با اشاعه و پخش اطلاعات، مردم را از درگیری بیشتر منصرف ساخته و آنها را تشویق نمایند تا از مساعی ایکه برای جنگ صورت میگیرد، پشتیبانی نکنند.

دربیافت های مزید و مهم که برنامه های کمک رسانی را متأثر میسازد
روشهای زیرین تدارک مواد امدادی، که مردم را از درگیری دور نگه میدارد، در دو دریافتیکه توسط پروژه ظرفیت های محلی برای صلح بدست آمده، توضیح میگردد.

۱- هدف «باری کردن مردم برای دوری از برخورد» معمولاً نسبت به «ارتقای مصالحة» و یا «ایجاد صلح» سهل تر است. وقتی ما طرقی را مورد بررسی قرار میدهیم که به سرایت جنگ درهمه عرصه های زندگی منجر میشود و هر کسی تجارت مستقیم دشمنی های جانب مقابل را دارد، تعجب آور نیست که مردم تصور مصالحة را با دشمنان رویا روی مشکل بیابند. مردمیکه در جنگ قرار داشته و یا به تازه گی در حالت جنگی قرار گرفته اند اکثراً طرف مقابل را شایسته اعتقاد نمی دانند.

بنابر این، حتی مردمانیکه در مخالفت با «جنگ» هستند، شاید تا هنوز قادر نباشند که همکاری کامل بین دو گروپ را استقبال و یا تصور نمایند. گرچه

مصالحه شاید در واقعیت امکان پذیر و قریب الوقوع باشد، با این هم برای «اجنبی» که امداد و مساعدت میرساند، مناسب نیست تا مصالحه و یا صلح «نیم بند» (از نظر آنهاییکه متتحمل رنج و درد شده اند) را ارتقاء دهد. وقتی اجنبی تقاضا میکند که مصالحه صورت بگیرد، چنین به نظر میرسد که وی عمق احساسات کسانیرا که در جنگ بوده اند نادیده گرفته است چنین به نظر میرسد که اجنبی آنها را به مصالحه هدایت کرده و از آنها می خواهد تا جنگ هائی را که مردم ادامه داده و آن را غیر قابل حل، فراموش ناشدنی و نابخشودنی میدانند فراموش و یکدیگر را عفو کنند.

از جانب دیگر، تجارب نشان میدهد که بسیاری مردم ساحات جنگ، از فرصت هائی استقبال میکنند تا عقب نشینی نمایند. از عملیات، روش ها و پروسه های جنگی عقب بروند. در چنین حالت باید امداد به طرقی صورت گیرد تا اجتناب از جنگ را بدون نیاز به آمادگی مردم برای مصالحه کامل تقویت و تشویق کند.

- ۲ - (در ساحات جنگی زبان صلح جانب دار پنداشته می شود:)

در نواحی جنگ، زبان به صفت وسیله، تفافهم و عدم تفاهم درخور اهمیت نهایی است. مردمانیکه در جنگ متتحمل رنج والم شده اند خیلی حساس بوده و مصمم اند که اجنبیان باید قام آنچه را بالای شان گذشته و می گذرد کاملاً درک کنند. کسانیرا که «اجنبیان» برای توضیح مقاصد برنامه، شان بکار می گیرند میتوانند شک و بدگمانی ها و درنتیجه تمایلات به طرف تشنج را بدتر و یا کمتر سازد.

توضیح مطلب: بعضی اوقات مردمانیکه مخالف با ادامه جنگ و نزاع اند، متذکر میشوند که صحبت در مورد طرفداری از «صلح» در آینده مصوئون تر است تا اینکه در «ضدیت با جنگ» ابراز نظر شود. آنها توضیح میدهند که در تئوری همه طرفدار صلح اند، ولی مخالفت با جنگ معنی ضدیت با جنگ جاری را میرساند، خاصتاً علیه گروپیکه خود را در جنگ برق می داند. (قسمیکه در بالا

تذکر رفت) چنین شخص مجرم، خاین وقابل مجازات دانسته میشود. درسایر حالات، مردمان محل گزارش میدهند که آنها حتی نمیتوانند از صلح حمایت کنند، زیرا عمق احساسات به پیمانه ایست که هرکس ناگزیر به حمایت از روحیه، جنگ طلبانه است.

روی این ملاحظه، تدارک کنندگان مواد امدادی در نواحی وساحات جنگ متوجه این وضع نهایت حساس بوده در تعبیر و تفسیر اصطلاحاتیکه برای توضیع پروگرامهای شان بکار میبرند، محتاط باشند.

هوشدار احتیاطی و متقابلاً دریافت شده در رابطه با ظرفیت های محلی:

قبل ازینکه به پیش رویم یکی ازین هوشدارها از قبل قابل پذیرش بوده است. در فعالیت های اخیر پیرامون ارتباط بین کمک های عاجل رفاهی و کمک های طویل المدت انکشافی واثرات چنین کمک ها، نکته بارزی آموخته شده که: شناسائی و حمایت از ظرفیت های موجود محلی همیشه در خور اهمیت است.^(۸) با آنهم، تجربه، امدادگران در نواحی متضنج و پر از زد و خورد، درک واقعیت بنیادی، شناسایی و حمایت از ظرفیت های محلی را پیچیده میسازد. تجربه نشان میدهد که در چنین نواحی که تصامیم برای اعطای کمک توسط «اجنبیان» گرفته میشود، میتوانند منجر به تشدید رقابت، ستیزه جویی و خصوصت در بین گروپ ها گردد. هرگاه برای تحويل دهی مواد بدون تحلیل دقیق که چه کسی از آن بهره مند خواهد شد و کی متضرر، بالای بزرگان محلی (بمانه ظرفیت های محلی برای صلح) تکیه شود، این امر باعث خواهد شد که یک گروپ کنترول خود را بالای گروپ های دیگر تحکیم بخشد و سبب شدت تشنج و وحامت وضع گردد. تکاندهنده ترین داستان چنین اثرات منفی از گوما، زائیر است. جائیکه ادارات کمک دهنده برای سیستم توزیع مواد امدادی در کمپ های تازه بنا یافته برای مهاجرین رواندایی، بالای «بزرگان محلی» اتکاء کردند. بعداً معلوم شد که

این «بزرگان» ملیشیاهای هوتو بودند که از مواد غذایی امدادی برای تحکیم قدرت خود بالای مهاجرین و به منظور «گروگان گیری شان» در کمپ‌ها استفاده نموده وقدرت خود را تحکیم میبخشند.

یادداشت هوشدار دهنده، درچنین حالات اینست که تدارک کنندگان مواد امدادی باید دقیقاً از موجودیت روابط قدرت داخلی آگاه باشند، حتی زمانیکه در صدد اند تا غرض طرح برنامه، عرضه کمک به منظور حمایت از ظرفیت‌های محلی طرقی را جستجو نمایند. تدارک کنندگان کمک به این امر مهم توجه کنند که همه ظرفیت‌های موجود محلی را حمایت نه نمایند بلکه آنهائیرا که به صفت نخستین ظرفیت‌های موجود محلی برای صلح شناسایی کرده اند کمک نموده و پروگرام‌های خود را به خاطر تقویت این گروپ سمت بدھند.

{

فصل هفتم

مثالهایی از اثرات مثبت امداد: یاری رسانیدن به مردم محل برای ترک جنگ

سه روش وجود دارد که باکاربرد آنها، عرضه، کمک شاید مردم محل را که خواهان دوری از جنگ هستند، کمک نماید:

- ۱- مهیا ساختن محیط امن
- ۲- مهیا ساختن شرایط مصنون برای ابراز نظر
- ۳- تهیه منابع تشویقی.

در اینجا مثالهای این سه روش را که از یک سلسله تجارب از ساحت متنوع جنگ بدست آمده است، تقدیم می‌کنم.

- » **مهیا ساختن محیط امن برای فعالیت‌های غیرجنگی**
- » **هدف امداد گران:** سازماندهی پروگرام امداد به نحوی که مردم به منظور انجام فعالیت‌های غیرجنگی به محیط امن دست یابند.
- » **مسئله:** در حالات و شرایط جنگ‌های داخلی، حتی برای اهالی ملکی اکثراً ناممکن است تا از جنگی که در ماحول شان اتفاق افتاده و در همه شئون زندگی و فضای کارشان نفوذ کرده، خود را وارهانند.

۱- در بعضی از نواحی درگیر جنگ، ادارات غیر حکومتی با استخدام افراد محلی از همه جناههای درگیر جنگ توانستند بین آنان ارتباط عادی برقرار سازند. گرچه بعضاً خود اداره در ارتباط به اینکه هر کارمند از کدام نژاد است، حساس بوده و آگاهانه مردم را از همه جناهها استخدام میکند، اما هیچگونه تذکر صریح درین مورد به عمل نمی‌آید، بخاطریکه کارمند خود را «مجبور» به کار مشترک با طرف دیگر نساخته باشد. در این گونه حالات و اوضاع «پیام» اداره در نهایت صراحت اینست که برای رسیدن به اهداف مشترک، مردم باهم یکجا کار میکنند.

در بعضی حالات و اوضاع جنگی، عده‌ء از ادارات به این نتیجه رسیده اند که صراحت‌با واقعیتیکه آنها مردم را از همه جناههای درگیر جنگ استخدام می‌کنند، امر حتمی است. آنها می‌گویند. اعلان همچو وظایف باعث تشویق مردم می‌گردد تا از جنگ دست بکشند و در بعضی حالات دیگر، عده‌ئی از ادارات به این نتیجه رسیده اند که استخدام آشکار افراد مربوط به یک جناح جنگ، همچنان میتواند تعهد مهم «غیر جنگ» را تفهم نماید. مثال این کار یک اداره غیر حکومتی کروشیایی است که به اعمار منازل کروات‌ها و بوسنیایی‌ها که در جنگ تخریب گردیده بود، پرداخت. سازمان دهنده‌گان این اداره، این امر نهایت مهم را احساس کردند که خود را کروات‌هایی معرفی کنند که در انتظار عامه و با اتفاق به غایندگی از بوسنیایی‌ها و کروات‌ها کار می‌نمایند.

به همه حال، در تمام این حالات، عملکرد ادارات غیر حکومتی زمینه ساز محیط امن برای مردم میگردد تا مصروف فعالیتهای غیر جنگی گردد.

۲- در عده‌ء از ساحت‌جنگ زده، موسسات داوطلب، برنامه‌های شانرا طوری طرح میکنند تا سود برندگان شامل همه جوانب درگیر باشند. یک هوشدار را باید درین جا تذکر داد. ادارات اکثرًا ادعا میکنند که «برای مصالحه برنامه ریزی

می غایند» در واقع آنها «یک نوع کمک» را به مردم همه جوانب درگیر جنگ پیشکش می غایند ولی گروپ ها هیچگاه همکاری نمی کنند. چنین کمک ها اکثراً بجای تخفیف موجب تشدید تشنجهای می گردد زیرا هر یک از جوانب آگاهی دارد که اداره با مردم طرف مقابل به منظور رقابت برای معامله امتیازی کار می کند. ادارات بخاطر اثبات این امر که آنها در بین جوانب، واقعاً منصفانه عمل می کنند، در مذاکرات طولانی درگیر می شوند.

تجربه نشان میدهد کوشش هائیکه بخاطر یکجا ساختن مردم در فعالیت های پروژه صورت می گیرد، همیشه بهترین راه برای تشویق رهایی مردم از جنگ نیست. بعضی اوقات فعالیت های مجرد ولی بهم مرتبط - چون ایجاد دستگاهای تولید پشم و گلیم که در فصل پنجم تذکر داده شد - طرق بهتری را به میان می آورد تا مردم باستفاده از آنها، بدون تماس مستقیم، وابستگی به یکدیگر را پیذیرند.

۳- در شابیلای سفلی واقع در سومالیا، یک موسسه امدادی مساعی خود را به پاک کاری سیستم آبیاری بی متمرکز ساخت که قام دهاقین به آن وابسته بودند. بعداً اداره متذکره برای جلب مردم محل در کار این پروژه عمدتاً صرف مساعی نمود. این تمرکز مساعی، مردم را یاری رسانید تا از مخالفت ها و نا باوری ها دست کشیده و از خستگی و احساس تردید ناشی از جنگ خود را رهایی بخشنند. همکاری مشترک در کاریکه تغییری درآینده شان آورد، مردم را قادر ساخت تا روش های محرك جنگ را به فراموشی بسپارند وباروش های «غیرجنگ» بپیوندند.

۴- در یوگoslاوی سابق، یک موسسه داوطلب، سلسله ای از فعالیت های فرهنگی را انکشاف داد که در آنها مردم طوفهای مختلف درگیر جنگ، جلب شدند. این فعالیت ها مشتمل بود بر ایجاد ژورنال ادبی و علمی، یک آرکستر سمفونی و یک تیم ترانه اطفال. مردم آن جامعه که به فرهنگ قبل از جنگ افتخار

میکردند، از فرصتیکه برای ثبات وضع نورمال و تداوم فرهنگ قبلی شان، دست داده بود، استقبال نموده واز خشونتی که سبب تحریک کامل بین مسلمانها، کرواتها و صربی ها میشد، دوری جستند. همه گروها درین فعالیت ها سهیم شدند.

۵- در جریان یک آرامش و در حالیکه سرائیو در محاصره قرار داشت، اداره کمک های انکشافی خارجی برтанیه (O.D.A) مصارف جریان مجدد برق آن شهر را تأمین نمود. طوریکه یکی از مشاورین اداره متذکره بخطاطر می آورد: سیستم تولید برق در یک بخش شهر و ترانسفارمرها در بخش دیگر شهر موقعیت داشت. به منظور فعال نگهداشتن سیستم، افراد هردو جناح باید مشترکاً کار میکردند. با حمایت ODA، کارمندان سابقه شرکت برق که طی سالیان متتمادی باهم همکار بوده و از اثرجنگ از هم دور شده بودند در اولین مجلس که روی جزئیات فعال ساختن دستگاه مرکزی بود، شرکت جستند. زمانی که شروع به کار کردند، دیگر در مورد حال و احوال اعضای خانواده های شان یا تجارب جنگی سوالی مطرح نگردید. آنها دانسته بودند که همچو موضوعات منجر به یک سلسله مسائلی خواهد شد که آنها را از هم دور ساخته بود. آنها ترجیح دادند تا مستقیماً بکار تخفیکی بپردازنند. آنها تعهد شانرا به یک آینده بدون تفرقه وبا خاطر آسوده، بدون صحبت در مورد مسائل ناشی از جنگ و مقابل شدن باهم، تبارز دادند.

شرط مصون برای ابراز نظر در مورد صلح

۶- **هدف موسسات خیوبیه:** تطبیق برنامه، امدادی برای مردم که وضع را طوری مساعد سازد تا آنها بتوانند که نارضایتی شان را از جنگ و توقعات شان را برای صلح ابراز نموده و به این ترتیب صحبت برای «صلح» را قانونیت مجدد بخشنند.

۷- **پروبлем:** در جنگ های داخلی، فشار ها برای وفادارماندن و همبستگی گروهی و قومی، مردم را به نحوی «خاموش» میسازد تا آنها نتوانند که در مورد جنگ

شک و تردید و علاقمندی شان را به صلح ابراز نمایند. علاوه‌تا، قسمیکه در فصل گذشته تذکر داده شد، در حالات جنگی به کارگیری زبان صلح میتواند خطراتی را در برداشته باشد.

<انتخاب طرق موضوع:

۱- در یکی از شهرک‌های ویران شده از جنگ در کروشیا، زمانیکه ضدیت با جنگ نهایت پرمخاطره بود، گروهی به طبع و نشر یک خبرنامه که با عنوان «صلح» مزین بود اقدام کردند. پس از گذشت چند هفته، آنها مردمی را مشاهده کردند که سوار بر سرویس شهری بوده و بدون هراس خبرنامه را میخوانندند. گرفتن خبرنامه و خوانش آن، به سادگی یکی از راههای ابراز مخالفت در برابر جنگ بود.

۲- در افغانستان نیز، در خلال جنگ با اتحاد شوروی، استعمال کلمه «صلح» نهایت خطرناک بود زیرا این جنگ، جنگ مقدس (جهاد) تلقی می‌شد. آنهاییکه درین مورد شک و تردید داشتند اکثراً به مرگ تهدید میشدندند. پس از خروج اتحاد شوروی از افغانستان و فروپاشی آن، این جنگ به جنگ داخلی بین قوماندانان مبدل گشته و مردم همچنان از مخالفت علیی با جنگ در هراس باقیماندند.

در خلال این مدت یکی از ادارات غیر حکومتی کنفرانسی را برای مطالعه نقش «מוסسات غیر حکومتی در اعمار صلح در افغانستان» دایر نمود (این اداره بوسیله یکی از مجاهدین قبلی که احساس میکرد «جنگ دومی» جهاد نیست بخاطریکه مسلمانها علیه یکدیگر می‌جنگند، تشویق شد تا این کنفرانس را برگزار کند). در آغاز بخاطریکه ترس از صلح وجود داشت، تعداد زیادی از موسسات از اشتراك در کنفرانس به وحشت افتاده بودند.

به عوض پنهان نگهداشت کنفرانس و صحبت‌های شامل آن از اذهان عامه، طراحان، راپور مکمل و لست اشتراك کنندگان را با ذکر نام موسسه، طبع و نشر کردند، که وسیله‌ای برای تشویق دیگران شد تا مسایل صلح را باید جدی بگیرند.

فايدهء دیگر اين نشريه صراحتي بود که در آن انعکاس يافته بود. در حالیکه خفيه نگهداشتن جريانات کنفرانس باعث تشدید هراس و شک و تردید که دليل بي ميلی مردم در اشتراك در آن بود ميگردید. وضاحت راپور همهء آنچه را که در کنفرانس بوقوع پيوست برای مردم بر ملا ساخت و امكان افواهاتي را که موفقیت کنفرانس را تخريب می کرد از بين برد. چند ماه پس از پخش راپور، ساير ادارات غير حکومتی از موسسه تدوير کننده کنفرانس تقاضا کردند تا به کار خود برای ايجاد نقطهء مرکзи به منظور کاوشن نقش ادارات غير حکومتی در اعمارات صلح در افغانستان ادامه بدهد.

۳- در سريلانكا يك اداره کمک رسانی با تاميلی ها و سنهالی ها که در مناطق همجوار زندگی ميگردند مذاکره کرد تا قسمت های از زمينی را که بين شان واقع است به «باغهای صلح» نام گذاري کنند. اين اراضی بعداً به پارک های سبز و پر از گل و جاهائیکه مردم متيقن بودند که در آن برخورد و جنگ بوقوع نخواهد پيوست مبدل شد. نام گذاري صريح اين مناطق همزیستی صلح آمييز بين دو گروپ را قانونيت بخشيid و محیط امن و زمينه برای اظهار نظر در رابطه با فعالیت های «غير جنگی» را مهیا ساخت.

۴- در بيت المقدس، زنان فلسطینی و اسرائیلی مشترکاً «حلقهء اتصال بيت المقدس» يعني ادارهء هم آهنگی را بين دو مرکز مستقل زنان ايجاد کردند که يکی آن در شرق و ديگری در غرب بيت المقدس موقعیت داشت. (به همین ترتیب ادارهء توپول کننده نیز اهمیت «فضا و مكان مصون» را درک کرده و در قدم نخست دو گروپ زنان را در يك شهر اروپائی - دور از ساحه جنگ که تماش های بين شان را تحت تاثیر قرار ميداد - دور هم جمع کرد.). هدف اين حلقة اتصال «ارتقاء فعالیت های سياسی، اجتماعی و فرهنگی و زعامت در خدمت گزاری برای تحقق بخشیدن صلح بر بنیاد عدالت و مساوات» بود. و اين حلقة بيشابه «بخشی از پروسه آموزشی برای کار مشترك و انکشاف همکاری در امتداد خطوط ملي و فرهنگی» درک گردید.

۵- در احمد آباد، هند یک اداره غیر حکومتی کوچک که کمک های بشر دوستانه را برای آنها نیکه از اثر سیلاب ها بی خانمان و در یک محله فقیر نشین مسکن گزین شده بودند میرسانید، دریافت که فعالیت این اداره از اثر اختلافات و خشونت های مذهبی میان هندوها و مسلمانها مختلف گردیده است. در پهلوی کار مداوم ضد فقر، این اداره به ابتکار برنامه هائی پرداخت تا این خشونت ها را دفع کند، کارمندان اداره، مردمان محل را در امر تاسیس «کمیته های صلح» یاری رسانیدند. وظیفه این کمیته ها اقدام در برابر تشنج های اوج گیرنده و دفع افواهاتی بود که اکثراً به خشونت ها منجر میشد. این کمیته ها جوانان با استعداد را دورهم جمع کرده و شروع به تدویر «نمایشات روی جاده» نمود که از طریق آن، هنرمندان هم وسیله سرگرمی مردم را فراهم می ساختند وهم مردمان محل را تعلیم می دادند که چگونه منافع اجنبی ها با جنگ بین دو فرقه مذهبی مسکون در محله، تأمین میشود (ملاکان و سیاستمداران با استفاده از خوف و هراس ناشی از برخورد، مردم آن محل را مجبور به فرار کردند تا بتوانند آن جا را به منظور منافع شخصی - مجدداً تصاحب نمایند). همه ساله اداره کمک دهنده جشنی را با پیام یکدلی و توافق سازمان میداد. سرودی با آهنگ دلپذیر و پیام یکدلی نوشته شد؛ کلمات این سرود روی خربطه های پلاستیکی نقش گردید و به هر آنکه درین جشنواره اشتراک می نمود، داده میشد؛ این سرود در بیشتر حصص منطقه محبویت پیدا کرده و در فعالیت های روزمره توسط اکثر مردم زمزمه میگردید.

۶- پس از قتل عام در رواندا، اکثر مردم در هراس شدند که مبادا چنین حالتی در بروندي اتفاق افتد. یک اداره امداد رسانی، مردمان هوتو- و توتسی را دورهم جمع کرد که ماه ها برای تشخیص پیام ها و وجیزه هایی که همکاری بین گروپ ها را تأمین میکرد و در سراسر محلات مورد استفاده مردم قرار داشت، مشترکاً باهم کار کردند. در قدم اول آنها از مجموع این پیامها و وجیزه ها نمایشناهه ئی ساخته و به محلات دور دست و روستایی به منظور اجرای نمایشات،

سفر هائی را انجام دادند. از طریق برگزاری نمایشات از پیام‌ها و وجیزه‌های آشنا به نحوی استفاده شد تا مردم راجع به خطرات جنگ بین گروها فکر کرده و همچنان باعث شد که مردم خونسردی خود را در برابر کوشش هائیکه آنها را به خشونت و امیداشت حفظ نمایند.

مساعی مستقیماً با واقعیتی ارتباط داشت که بعضی‌ها مغایضات گروهی را به نفع خویش دامن میزدند این کوشش‌ها مردم را تشویق کرد تا واقعیت تاریخ مشترک و همیستی باهمی خود را متناسبًا با تاریخچه، خشونت مقایسه نمایند. این امر مردم را باری رسانید تا با استفاده از فرهنگ و اصطلاحات فرهنگی خود بجای جنگ راه صلح را ادامه دهند.

۷- در لبنان در اوج جنگ مکاتب تعطیل گردید و شاگردان ساعت‌ها را در پناه‌گاه‌ها سپری کردند. اداره ایکه خدمات صحی و تعلیمی را برای اطفال انجام میداد - احساس کرد که باید شاگردان تشویق کند تا حتی تحت شرایط ناگوار به تعلیم و بازی ادامه دهند. روی این ملاحظه آنها به طبع مجله، اطفال زیر عنوان «باهم» آغاز نموده و شماره‌های این مجله از طریق کلینیک‌های صحی در سرتاسر کشور توزیع گردید. صفحات این مجله با سوالات ریاضی، هجای کلمات دروس، بازی‌ها، معما‌ها و یک قصه درباره، جنگ ویرخورده که به شکل نامکمل نوشته شده بود، مزین میگردید. قصه جنگ همیشه درین مجله جای خود را داشت و از اطفال تقاضا میشد تا قصه را خود شان تکمیل کنند. به همین ترتیب صفحات وسطی مجله سفید گذاشته شده بود تا اطفال بتوانند مدت زمانی را که در پناهگاه سپری میکنند، به کشیدن رسم‌ها و نوشتن قصه‌ها بپردازند. سازمان دهندگان مجله از اطفال دعوت کردند تا قصه‌های تکمیل شده، تصاویر و نوشته‌های شانرا به دفتر مجله بفرستند.

بزودی یک طفل پیشنهادی بدین شرح به دفتر مجله فرستاد که باید همه خوانندگان مجله یک پیمان صلح را امضاء کنند. در مدت چند هفته، محدود، ناشران مجله زیر انباری ازین گونه پیمان غرق شدند و در شماره‌های بعدی آنها را

به نشر سپردند. بعد یک طفل پیشنهاد کرد که والدین اطفال نیز باید چنین پیمانی را امضا کنند و نامه ها به نشر رسید. از مفکوره طبع چنین نوع مجله، اطفال در گرجستان در خلال جنگ نیز اقتباس گردید.

تهیه منابع تشویقی به منظور دوری از جنگ

- < هدف تدارک کنندگان مواد امدادی: طرح و تطبیق پروگرامهای کمکی که باعث تشویق مردم در دوری از جنگ و عدم حمایت از خشونت گردد.
- < عضله: عوامل زیادی در جوامع در حال جنگ، قبولی جنگ را ناگزیر میسازد بناءً اکثریت مردم آنرا پذیرفته و منتظر می مانند تا جنگ ختم شود.
- < انتخاب طرق موضوع:

۱ - در کمبودیا، تاجکستان و امریکای مرکزی پس از جنگ، سازمان ملل متعدد به ابتکار پژوهه های سریع الاثر دست زد تا جمعیت های محلی را در جذب عودت کنندگان قسمی کمک رساند که بالای منابع محدود شان فشار اضافی وارد نشود. این مساعدت پولی به منظور کمک به مردم، درکار و مساعی مشترک در جوامع شان (چون اعمار مکاتب یا کلینیک ها و یا اصلاح سیستم آب) صورت میگرفت تا مردم را قادر سازد که بر بی اعتمادی های باقیمانده و برخورد خشونت بار بین آنها که در خلال جنگ به اطراف و اکناف کشور رفته بودند و آنها که به حيث مهاجر فرار کرده بودند، فایق آیند. در کمبودیا برای تمویل پژوهه های سریع الاثر توجه خاص مبذول داشتند. جائیکه پیشنهاد مشترکی به همکاری مردمان ساکن و عودت کنندگان ارایه گردد. همچو پیشنهادات سریعاً تمویل و مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۲ - بعضی از ادارات امداد کننده در کشور های پس از جنگ، برنامه های اعطای قروض محدود را برای مردمیکه بخواهند در گروپ قرضه گیرندگان شامل

شوند و قروض یکدیگر را تضمین کنند، روی دست گرفته اند - چنین پروگرام های قرضه، کوپراتیف، این امر را حتمی می‌سازد که موفقیت اشخاص انفرادی به هم مرتبط است، همه کس سود می‌برد و باید هر کس سود ببرد. چنانکه دریافت شده این روش مزیت دیگری هم دارد آن اینکه اندازه باز پرداخت بیشتر را نسبت به آنچه که میتوان از برنامه های قرضه انفرادی به شکل نورمال موقع برد تضمین میکند.

۳- بعضی از منابع تشویقی برای دوری از جنگ، غیر مادی است؛ بطور مثال در کمبودیا درست اندکی پس از جنگ، افواهاتی در محلات کشور پخش گردید. مردمان روستا راپور دادند که آنها اکثراً شنیدند که جنگ مجدد آغاز یافته و انتخابات فسخ گردیده است. رادیوی سراسری محل که مصارف آنرا اداره ملل متحد می‌پرداخت با نشرات خود توانست با افواهات مقابله کرده به مردم اطمینان دهد که انتخابات هنوز جریان دارد. مردمانیکه از اطلاعات موثق برخوردار بودند به کار اعمار مجدد قریه جات شان پرداختند. میزان تشنج وی باوری و تردید کاهش یافت. ظاهرآ بعضی از عساکر خمرهای سرخ که همین نشرات را شنیده بودند، سرانجام تصمیم گرفتند که خدمت سربازی را ترک نموده به زندگی ملکی برگردند، زیرا انتخابات در حال پیشرفت به نظر می‌رسید.

درکنار فرصت های موجود برای صلح که در جوامع درگیر جنگ وجود دارد، رزمندگان بی علاقه به جنگ هم موجود اند که در انتظار فرصت یا مشوقی می‌باشند تا خود را از معركه کنار بکشند. وجود چنین روحیه نی که در میان افراد درگیر جنگ، فرصت هائی را برای صلح فراهم ساخته و به کارمندان موسسات داوطلب امکانات طرح و عملی نمودن برنامه های کاری را طوری فراهم می‌سازد که امداد شان بتواند در جهت استقرار صلح مفید و مثبت ثابت گردد.

جنگ در مناطق مسکونی و شهرها موجب گیر افتادن اکثریت ساکنان این مناطق در منطقه جنگی می‌شود. چنین مردمی هرچند از جنگی که در آن درگیر اند

نفرت دارند ولی خاموشانه در اعمال روش‌ها و طرز دیدی که جنگ بالای شان تحمیل نموده سهیم می‌شوند. سکوت و مشارکت در اعمال و کردار گروه مسلحی که در منطقه شان مسلط است برای ادامه حیات شان ضروری است.

وقتی وابستگی‌های قومی، نژادی، گروهی و یا زبانی معیار شناخت و اعتماد بر یکدیگر باشد درین صورت صحبت کردن و یا عمل کردن علیه این یا آن گروه خالی از خطر نیست و اگر کسانی جرئت کنند تا حقانیت و مشروعیت چنین جنگی را زیر سوال ببرند، این عمل شان خیانت تلقی شده نه تنها تحقیر و توهین شده اند بلکه در مواردی بدست افرادهم ملیت خود به قتل رسیده اند.

۴- در اکثر کشورهای در حال جنگ بعضی از جنگجویان وقتی از طریق منابع آزاد وغیروابسته از اعمال گروهیکه به آن وابسته بودند اطلاع حاصل کردند از حمایت آن گروه دست کشیدند بطور مثال یک زن سریلانکائی وقتی از بیرحمی سربازان دولتی علیه قریه‌های تامیل نشین از طریق یک منبع بیطرف آگاهی حاصل کرد گفت که «جنگ برای من تهوع آور است». این احساس وی که قبلًا فقط تامیلی‌ها را سنگدل و بیرحم میدانست بوسیله اطلاعات منابع بیطرف اصلاح شد. در ایالات متحده اکثر اتباع آن کشور وقتی فهمیدند که در قتل عام مای لای قشون امریکایی سهم گرفته بود، در مورد پشتیبانی از جنگ ویتنام تجدید نظر نمودند. در اسرائیل اکثر خانواده‌ها وقتی از واقعیت اشغال ساحل غربی وغزه در جریان انتفاضه توسط اسرائیل از طریق گزارش‌های فرزندان شان که به وظایف نظامی در ساحل غربی وغزه توظیف شده بودند، آگاه گردیدند تذکر دادند که جستجوی راههای صلح با فلسطینی‌ها را به شکل جدی شروع نمودند. وقتی مردم نقش جناح و گروه وابسته خود را در جنگ غیر انسانی می‌بینند، در آنها انگیزه، عدم حمایت از جنگ بوجود می‌آید. ادارات غیر حکومتی وسایر ادارات امداد رسانی ممکن است اطلاعات منصفانه وموثق را تهیه کنند تا چنین خود گرانی (به خود متوجه شدن) و قطع علاقه با تبلیغ بخاطر تشدید جنگ را که معمولاً در چنین حالات مستولی می‌باشد، ایجاد کند.

۵ - در تاجکستان وقتی حکومت در جلسات هفته وار کابینه در شهر دوشنبه برینیاد راپورهای غیرموقع از قسمت جنوبی کشور، تصامیمی اتخاذ میکرد، یکن از منسوبین یکی از ادارات بین المللی کمک رسانی توفیق یافت از وزیر کابینه دعوت کند تاوی را در سفری همراهی کرده و «باچشم سر» اوضاع ناحیه جنگ زده را ببیند. وقتی وزیر سوچوف از آن ناحیه بازدید کرد توانست حکومت خود را در پیروی از پالیسی هائیکه تشنج بین گروپ ها را تخفیف بخشد، کمک غایب.

۶ - در گواتیمالا، اکثر ادارات امداد کننده وقتی با گروپهای دهاقین کار میکردند، ازینکه مبادا با برخورد مستقیم اردو مقابل گردند، از انجام کارهاییکه جلب توجه میکرد، خود داری نمودند. کارمند یک موسسه بین المللی امداد رسانی وقتی همکار گواتیمالایی اش در یک مارکیت در یکی از روزهای شنبه «مفقود» گردید، تصمیم گرفت تا روش دیگری را در پیش گیرد. وی تصمیم گرفت به کار خود با پخش اطلاعات باز در مورد اهداف و پروگرامهای اداره اش، ادامه دهد. موصوف غایش سلاید و مواد تحریری را آماده نموده به تدویر غایشات عامه در کلیساها، بین گروپ های ملکی (چون کلوب کیوانیس)، و «هرکسیکه مرا فهرست خواهد کرد». آغاز نمود. وی بعداً با قوماندانهای اردو متصل گردید و از پایگاه های شان به منظور توضیع برنامه های اداره خود بازدید به عمل آورد. آنچه وی آشکار و بی پرده تقدیم کرد، آشتی آور بود. وقتی وی در مورد اینکه کارمندانش چگونه با دهاقین قراء در تاسیس سیستم های آبیاری وبا در سایر ساختمانهای محل کمک کردند، توضیحات میداد وهمچنان اینکه افراد نظامی چگونه وبه اذیت و آزار، اختطاف وحتی کشتار مردانیکه سن اشتراك در جنگ را داشتند، به همان قریه می آمدند توضیحات میداد. در جریان صحبت وی لا اقل یکی از قوماندانان اردو اعتراف کرد که دیده میشود چرا حکومت از حمایت مردم قراء و قصبات بر خوردار نیست. اداره امداد رسانی قادر شد تا به کار خود بدون مداخله اردو و بدون تهدید بیشتر به کارمندان آن اداره و قرائیکه آنها مصروف بودند، ادامه دهد.

همانطوریکه در فصل پنجم به مثالها و طریقیکه اثرات منفی امداد را محدود میکرد اشاره گردید، درین فصل نیز مثالهای که منعکس کننده واقعیت های مشخص محل میباشد گنجانیده شده است. این مفکوره ها در پیوند با زمان و مکان نتیجه داد، زیرا مفکوره ها تابع حالتیست که امکان ویا عدم امکان را میسر میسازد. روی این ملحوظ هیچ یک از مثالهایی که درینجا داده شده در همه جا قابل تطبیق نخواهد بود. کارمندان موسسات امداد رسانی حین انتخاب راهای موثر بخارط برنامه ریزی امداد شان باید همیشه واقعیت های حالتی را که در آن قرار دارند درنظر بگیرند مگر واقعیت اینست که طرق دیگری نیز وجود دارد. شاید امداد در کشورهای درحال جنگ به طرقی تدارک شود که برخورد ها را بدتر ویا از رساندن ضرر اضافی جلوگیری نماید. امداد در کشور های در حال جنگ شاید به نحوی تهیه شود که ابتكارات محلی و مقایل به صلح را نادیده بگیرد ویا بر عکس ازین امر حمایت کرده زمینه، ایجاد منابع تشویقی را برای مردم محل فراهم کند تا آنها از جنگی که درگیر اند کنار بروند.

در فصل های آینده ما به آنچه که آموخته شده برگشته و خواهیم دید که کارمندان امداد رسانی چه چیز را باید حین انتخاب راه های موثر درنظر بگیرند و چگونه میتوانند طرق مختلف را به منظور انتخاب بهترین راه ارزیابی کنند.

فصل هشتم

حالات پیچیده و مغلق:

تھیہ کننده مواد امدادی چه نیروی را ممکن است
داشته باشد؟

کارمندان بخش امداد رسانی میگویند «جنگ همه مساعی ما را تحت تاثیر قرار میدهد.» «باموجودیت این حکومت نمی توانیم کاری انجام دهیم.» حتی اگر اداره من کار درستی انجام بدهد، سایر موسسات غیر حکومتی (یا ادارات مریبوط ملل متعدد یا سیاست های بانک جهانی) کارهایی میکنند که فعالیت ما را کاملاً تضعیف می فایند.» «این مردم به شکل عنعنی در زد و خورد درگیر هستند، آنها به سادگی تغییر نخواهند یافت.» «طراحان پالیسی در اداره، ما نمیدانند؛ آنها ما را وادار به انجام کار به نحوی که باید بسازند نمی سازند.»

من چه موثریتی میتوانم داشته باشم؟

تدارک امداد در ساحات جنگ چلنچ هائی را پیش میکشد. موسسات خیریه و کارمندان شان صرفاً نقش کوچکی در سلسله حادثاتیکه آشکار سازی جنگ را تعیین می فاید، بازی میکنند.

درین فصل آنچه را از مثالهایی راجع به موثریت یک کارمند امداد رسانی و یا یک اداره مشخص امدادی در محیط پیچیده، یک جنگ داخلی، آموخته ایم، ارزیابی مینخائیم. درینجا به یک سلسله عوامل دریک محیط جنگی عطف توجه خواهیم کرد: در اینکه یک امدادگر چگونه میتواند از رساندن ضرر اجتناب ورزیده

و یا تغییر مثبتی را بیان آورد، این عوامل میتوانند خیلی ها مهم باشند.

شکل پانین عواملی را نشان میدهد که زمینه تدارک امداد را شکل می بخشد. کارمندان موسسات خبریه در مرکز قرار دارند و اطراف شان را عواملی احاطه نموده که امداد گران صرفاً تاثیر محدودی بالای آنها دارند.

دایره بیرونی از ساحه، وسیعی نمایندگی میکند که در آن چهار عامل «مشخص» قرار داشته و خارج از محدوده، کنترول کارمندان موسسات است. این عوامل عبارتند از: ۱- جنگ بخودی خود - ۲- سیستم حکومت (یا عدم آن)، ۳- موجودیت سایر ادارات موسسات که در همان ساحه فعالیت دارند و ۴-

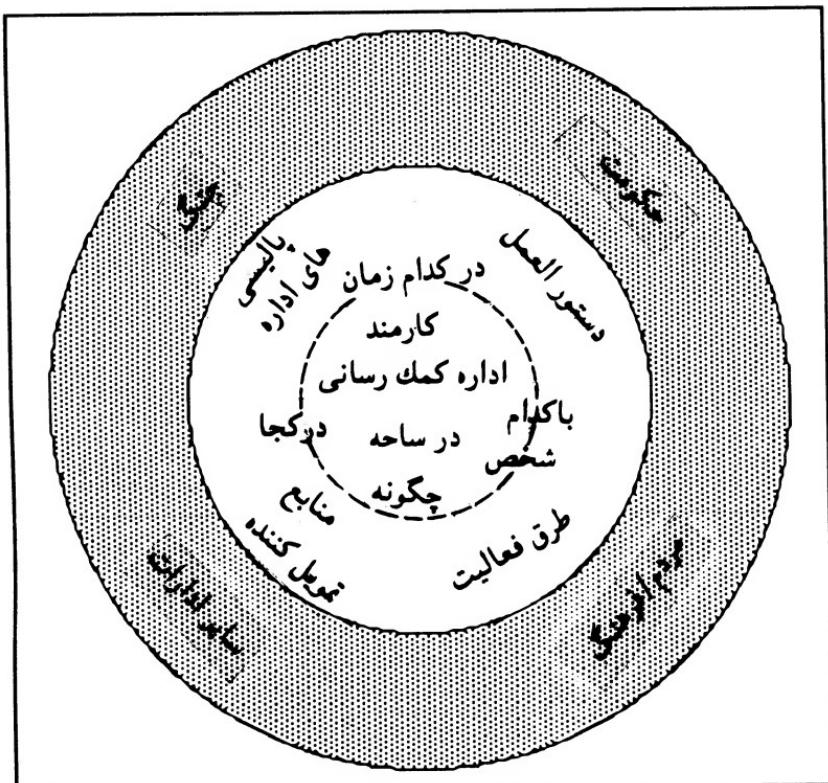
مردم و فرهنگ شان در منطقه ایکه یک موسسه خبریه کمک می رساند.

دایره، وسطی هریک از ادارات مشخص کمک دهنده را نشان میدهد. دستورالعمل، پالیسی ها، منابع قویل کننده و طرق کار همه عواملیست که قبل از تعین گردیده و کارمن مؤذن به پیروی از آنها می باشد و در پرتو آن وظیفه خویش را بپیش میبرد. با آنهم در مرور زمان کارمندان میتوانند بالای دستور العمل، پالیسی ها، منابع قویل کننده و طرق فعالیت ادارات شان تاثیراتی وارد کنند. روی این ملاحظه دایره، مرکزی و دایره، وسطی با خطوط نقطه دار از هم جدا شده اند تا نشان دهد که فعالیت های دایره، مرکزی میتوانند در چگونگی اداره اثر وارد نمایند.

در دایره مرکزی پرسونل ساحه که شامل یک گروپ کوچک و یا شخص انفرادیست قرار دارند. آنها یکه با اتخاذ یک سلسله تصامیم برای پیشبرد پروگرام و تحويل دهی مواد امدادی به مشکل رویرو اند. تصامیمی که آنها باید بگیرند عبارتند از:

- ۱- در کجا باید فعالیت کرد. ۲- با کدام شخص باید کار کرد. ۳- با چی باید کار کرد. ۴- چگونه باید کار کرد.

سه مورد اول قبلً توسط اداره تعین گردیده و آوردن تغیر در آن برای کارمند ساده مشکلاتی را ایجاد می‌فاید. این سه مورد اکثر^۱ شامل دستورالعمل، پالیسی‌ها و طرق فعالیت یک اداره بوده حیثیت احکامی را دارند که برنامه‌ها در کجا، در کدام زمان و با کدام اشخاص تطبیق شود. با آنهم، در همه حالات، کارمند ساده دسترسی به یک سلسله راه‌های انتخابی دارد که چگونه پروگرام را طرح، سازماندهی و تطبیق نماید. درینجاست است که کارمند ساده موثرت داشته و میتواند نقش مهمی بازی نماید.^(۱۰)



در بقیه، این فصل آنچه را که از مطالعه قضایا توسط پژوهه، ظرفیت های محلی برای صلح بدست آمده توضیح میکنیم که چگونه عوامل مختلف در زمینه، بالای این احتمال اثر دارد که عملیه، امداد اثرات منفی یا مثبت در جنگ خواهد داشت.

آنچه به این ارتباط بدست آمده تا حدی تعجب آور است. ما با این فرضیه آغاز کردیم که موارد مشخصی در رابطه با جنگ، حکومت و سایر مؤسسات موجود در منطقه میتوانند نقش تعیین کننده داشته باشند. این موارد میتوانند تغییر بسزائی را هم در موجودیت راه های انتخابی در سطح کارمند ساحری موسسه امدادی وهم در احتمال اینکه کمک میتواند تاثیر مثبت و یا منفی در رابطه با جنگ داشته باشد. آنچه را دریافتیم این بود که یک تعداد از این عوامل واقعاً احتمال داشته باشد. آنچه را تحت نفوذ قرار داده و نقش آنها را بر اثرات مثبت محدود ساخته اثرات منفی را تحت نفوذ قرار داده و نقش آنها را بر اثرات مثبت محدود ساخته است.

جنگ:

فرضیه بر آن بود که مواردی در باره جنگ وجود دارد که احتمالات را برای مردم بیشتر و یا کمتر می سازد تا آنها قادر شوند و یا بخواهند تا از جنگ کنار بروند. ما فرض کردیم که همین عوامل، امکانات اثرات منفی را هم از نقطه نظر انتقال منابع وهم از نقطه نظر پیامهای تلویحی اخلاقی تحت نفوذ قرار خواهد داد.

تاثییر بالای اثرات مثبت: ما فکر کردیم که حدود جغرافیایی ایکه جنگ در آنجا ها سرایت کرده شاید مهم باشد. اگر جنگ همه قسمت های یک کشور را فرا بگیرد در آنصورت همه مستقیماً آسیب می بینند و تخریبات همه گیر میباشد، این امر زمینه را برای مردم مشکلتر میسازد تا از زد و خورد دست بکشند. یا اگر جنگ برای مدت طولانی دوام نماید، تخریبات کامل صورت میگیرد و نفرت و بدینتی از نسل به نسل انتقال میکند، این امر شاید عدم درگیری را مشکل سازد.

بانهم شواهد حاصله از مطالعه قضایا نشان میدهد که این عوامل ظاهرًا تفاوتی را در مقایل مردم به دوری از جنگ بیان نمی آورد. از جنگ طولانی‌در لبنان تا جنگ کوتاه مدت در تاجکستان اکثر مردم اشتیاق به دوری از جنگ را دارند. از جنگ کوتاه مدت در راوندا تا جنگ درازمدت در سریلانکا، به نظر میرسد که اکثر مردم در کنار رفتن از جنگ با مشکلاتی رو برو هستند. به همین ترتیب غونه‌های دوری از جنگ درین کشورها هیچگونه ارتباطی را بین جنگ و وسعت جغرافیائی آن نشان نمیدهد در حقیقت همه مردم در لبنان و راوندا از اثر جنگ متأثر شده اند یا در تاجکستان و سریلانکا جنگ واقعی در مناطق مشخص متتمرکز شده بود. علی‌الرغم آنچه گفته شد، یک مثال در همه کشورها ظهور کرد احتمال اینکه مردم در کناره گیری از جنگ مقایل نشان دهند در مراحل مختلف جنگ متفاوت است. روزهای اول جنگ، اکثر مردم «جنون» جنگ را که آنها را از دوستان و اعضای خانواده‌های شان تحریم میکند، تقبیح می‌نمایند. بآنهم هرقدر جنگ دوام میکند و بیشتر مردم ستم وی رحمی را مستقیماً تحریم میکنند (چه به صفت قربانیان وچه به حیث عاملین) آنها بیشتر شخصاً و احساساً به جنگ متعهد میشوند. درین مرحله آنها اکثرًا این احساس را تبارز میدهند که «ما هیچگاه غیتوانیم دوباره باهم زیست نمانیم»، و آنها میکنند اصلاً جنگ را رد کرده بودند معتقد شده اند که باید تا پیروزی بجنگند بخاطریکه اگر چنین نکنند معنی مطبع شدن به جانب مقابل را خواهد داد. معهذا بعد از گذشت زمان طولانی (بعضًا چندین سال و حتی نسل‌ها)، مردم «از جنگ خسته شده» و قضاوت میکنند که «هر عمل دیگر بهتر از جنگ است». درین مقطع آنها برای ساختن صلح حتی با از دست دادن بعضی پرنسیپ‌ها که زمانی هیچگاه غیتوانستند از آن صرف نظر غایند موافق می‌کنند.

تأثیرات بالا اثوات منفی: از جانب دیگر، وقتی جنگ ادامه میابد و چنین به نظر میرسد که وحشت جنگ رو به افزایش است و احتمالاً از کمک‌های بشری شاید برای تشديد درگیری استفاده شود. همچنان موجودیت چندین گروه

در گیر جنگ تا اینکه صرفاً دو طرف در گیر باشد، استفاده منفی از امداد را تقویت می بخشد. بدون تعجب هر قدر بیهودگی و مظالم جنگ (اکثرآ در پیوند با دوران، توسعه جنگ و تعدد گروهها) زیاد تر باشد، احتمال سرقت یا سایر استفاده ها از مواد امدادی برای حمایت از جنگ بیشتر خواهد بود و تدارک کنندگان کمک، آزادی محدود برای فعالیت های شان در بیرون از محدوده کنترول جنگجویان خواهند داشت.

حکومت یا عدم آن:

امکان دارد که عواملی در موجودیت و عدم موجودیت سیستم های قدرت بالای این احتمال موثر باشد که مردم از جنگ دوری خواهند کرد و یا اختلاس و سوء استفاده از کمک های بشری بتواند جنگ را تقویت بخشد.

تاثیرات بالا اثوات هثبت: در مجموع، مطالعه قضایا نمایانگر این موضوع است که آنده مردم که در نهایت آماده، کناره گیری از جنگ اند، آنها بی اند که کمترین حرمت را به زعامت موجود که جنگ را تشویق میکند قایل هستند. با آنهم قضایا همچنان نشان میدهند مردمیکه میخواهند رضاکارانه با ابراز مخالفت شان به جنگ، خطراتی را متقبل شوند، اکثر شان به «برگشت» قادری متعهد اند که بتوانند آنرا احترام کنند. در اکثر حالات آنها بیکه در جهت مخالف در گیری کار میکنند، همچنان برای باز سازی آنچه که آنها موسسات «دموکراتیک» نام داده اند فعالیت می نمایند. بدین مفهوم که آنها بین توافقنامه «رهبران» در کشاندن مردم در عدم موجودیت ساختار های دموکراتیک اجتماعی همه گیر، ارتباطی را می بینند. روی این ملاحظه یک طریقه دوری شان از فعالیت های جنگ، مانند ارتقا دادن جامعه متشکل از افراد ملکی همه گیرست.

در اینصورت از دید تدارک کننده، امداد، آمادگی برای گریز از در گیری شاید مستقیماً به ابراز نظر از طریق ارتقا دادن ساختارهای اجتماعی غیر نظامی است. درک این مطلب شاید تدارک کنندگان امداد را هنگام طرح و تطبیق برنامه های شان در شناخت مردم و شبکه هایی که مستحق حمایت اند کمک نماید. علاوه اتا

در بعضی موارد، عدم موجودیت سیستم‌های قدرت و یا حکومت باعث آن گردیده تا مردم به صورت فعالانه چاره، دیگری را که «ایجاد صلح» است بجوینند. بطور مثال در خلال اوج جنگ در سومالیا، یک تعداد از قراء، کشور، خود را به صفت «نواحی صلح» تبارز دادند. آنها برای حفاظت از سروحدات خویش منسجم گردیده و اجازه ندادند که در آنجا جنگ بوقوع بپیوندد هنگامیکه جنگ جویان جوان غرض تاراج یا سرباز گیری درین قراء رسیدند، مردم آنها را اسیر کردند. این محلات برای مدت زمانی به حیث نواحی جدا شده قادر شدند تا با جنگ مخالفت کنند. با آنهم گاهیکه با خوف و خطر بزرگ رزمندگان نهایت مسلح رویرو می‌شدند قدرت کافی مقاومت در برابر تهاجم قام عیار را نداشتند.

یک مثال مشابه و گویا از چنین نیز موجود است در اینجا هفت قریه برای ایجاد آنچه مردم محل «زون صلح» می‌نامند، باهم پیوستند.^(۱۱) در تلاش دورماندن از جنگی که آنها را محاصره نموده بود باشندگان قراء با قوماندان قوت‌های روسی مذاکره و توافق کردند که روس‌ها اهالی قراء را مورد حمله قرار نخواهند داد اگر تعهد کنند که باشندگان قراء به ملیشیا‌ها پناه نمی‌دهند. با تاسف که قوماندان‌ها یکی بعد دیگر از منطقه تبدیل و بجای شان افراد دیگر گماشته شدند که توافقات قبلی را نادیده گرفتند. وقتی راکت‌های روسی در یکی از میدانهای یک قریه اصابت کرد. چهار کشته بجا گذاشت. قریه نشینان اعتقاد خود را در برابر همسایگان شان که توافقات اولی را انجام داده بودند از دست دادند، ملیشیاها با حمایت قریه به قراء ریختند و زون‌های صلح از بین رفت.

تاثیرات بالا اثرات منفی: شواهد بدست آمده از مطالعه، قضایا نشان میدهد که عدم موجودیت حکومت به شکل عمومی وی قانونی نی را که این امر بوجود می‌آورد، سبب افزایش این خطر می‌شود که از منابع امدادی برای جنگ سوء استفاده شود. در مجموع، از هم پاشی حکومت، درها را برای سرقت منابع امدادی و اذیت و آزار کارمندان امداد رسانی به شکل وسیع باز می‌کند (در نتیجه مؤسسات داطلب را مجبور می‌سازد تا با جنگجویان به مذاکره پرداخته

نیروی شان را قانونیت بدهد).

در حالیکه نتیجه گیری عمومی همین است، یک جنبه، دیگر - و فرصت نهایت مساعد برای دفع اثرات منفی - از تجربه (پرودیری) در امریکای مرکزی بدست آمد.^{۱۲} درینجا دیده شد، که هر قدر مردم یک محل از قدرت‌های درگیر جنگ فاصله داشته باشند به همان پیمانه فرصت‌های مساعد برای کار باگردنیکه تشنج و برخورد را بین قدرت طلبان تغذیه نمی‌کند، دست میدهد. بازهم، این نتیجه گیری شاید برای تدارک کنندگان امداد که در صدد یافتن راه‌هایی برای دفع تشدید جنگ درسماز از کشورها هستند کمک غایب.

فعالین دیگر (سایر موسسات غیر حکومتی، سازمان ملل متحده، منابع تمویل کننده):

کارمندان مؤسسات اکثراً از سراسیمگی و عدم انسجام بین تهیه کنندگان امداد به صفت عواملیکه توافقنامه شان را در موثریت کار با ارتباط جنگ تخریب می‌کند، صحبت می‌نمایند.

تأثیرات بالا ای اثوات ثابت: مطالعه قضایا نشان میدهد صرف نظر از اینکه همه ادارات چگونه عمل می‌کنند هر اداره، واحد (یا هر فرد که مهارت‌های لازم را برای طرح برنامه‌های مؤثر دارد) می‌تواند راههای مفید و مؤثر را برای برنامه سازی ایکه ظرفیت‌های محلی برای صلح را حمایت خواهد کرد، تشخیص غایید. (با وجود این واقعیت که عملکرد اکثراً ادارات از هم متفاوت است، معنی این را نمیدهد که نیروی اداره، ایراکه اثر مثبت دارد، نمی‌نماید و اگر تمام موسسات بر اولویت‌ها و روش‌ها موافقت کنند، نتیجه مساعی مشترک شان در یاری رسانیدن مردم برای دوری از جنگ خیلی‌ها موثر خواهد بود). دست آورده دیگر درین مورد اینست که اندازه، برنامه کمک رسانی یک اداره، اهمیت تأثیرات بالقوه، مثبت آن را متاثر نمی‌سازد. برنامه‌های کوچک که یک یا دو نفر را دربر می‌گیرد،

شاید آغاز پروسه ای باشد تا تعداد زیاد مردم را تحریک به دوری از جنگ نماید. در حالبکه جنگ در نتیجه عدم درگیری عده ای انگشت شمار خانه نمی پذیرد، این همچنان آشکار است که هیچکس از قبل غیداند که کدام ابتکارات صلح همه گیر خواهد شد تا رهبران را به مذاکره برای ختم جنگ مجبور سازد.

تأثیرات بالای اثرات منفی: مطالعه قضایا روشنگر این موضوع است که تعداد موسسات و مجموع منابع امدادی که آنها یکجا باهم به یک کشور در حال جنگ می آورند، ممکن است احتمال سوء استفاده اطراف درگیر جنگ را از این منابع افزایش داده و همچنان تلاش های امداد رسانی را در مبارزه بخاطر قدرت خیلی مهم جلوه دهد.

با آنهم قضایا همچنان نشان میدهند که اداره واحد میتواند راه خود را برای دوری از وارد کردن اثرات منفی بباید. قضایا نشان میدهند که ابتکار یک کارمند و یا یک اداره (حتی اگر در بین یک تعداد ادارات دیگر که مسیر متفاوتی را تعقیب میکنند، کار نماید) اکثر^۱ ما را به این نتیجه گیری رهنمون شده که امکانات از آنچه معمولاً باور داشتیم، نهایت بیشتر است.

مردم:

سراخمام مردم و فرهنگ شان نیز «مشخصات» همان جائیست که تدارک کنندگان مواد امدادی در آن کار میکنند. هر چند جوامع از هم متفاوت اند ولی این امکان موجود است که عوامل موثر بالای اثرات مثبت و منفی امداد رسانی در هر جامعه را تشخیص نمود.

هویت گروپ ها / خطوط جنگ: آنچه را که باید در مورد جنگ های داخلی کشورها در وهله نخست خاطر نشان کرد شیوه ایست که در آن خطوط جنگ در امتداد گروپ های مشخص و شناسایی شده تعیین گردیده است. بطور مشهود، اگر کمک در داخل یک جامعه درگیر جنگ بدون درنظر داشت این تقسیم

بندی ها سمت داده شود، اکثر^۱ این امداد میتواند برای تشدید جنگ استفاده شود. به همین ترتیب هرگاه کمک به طرقی تحویل داده شود که گروپ های درگیر جنگ را مجددآ بهم پیوند دهد، امداد شاید عدم درگیری و دوری از جنگ را ارتقا بخشد.

تقسیم بندهی نقش ها و مسؤولیت ها: ^(۱۳) ثانیاً چون امداد به طرقی تحویل داده شده که بعضی نقش ها را در یک جامعه حمایت میکنند، برای تدارک کنندگان امداد مهم است تا در نظر بگیرند که کدام اشخاص این نقش ها را عملی میکنند و پشتیبانی از آنها چه تاثیراتی بالای جنگ دارد. بطور مشخص مهم است تا تقسیمات نقش ها و مسؤولیت ها را با در نظر داشت جنس، سن و ملیت، خاطر نشان کرد.

بگونه، مثال، هرگاه دریوران لاری ها به شکل عنعنی مربوط به یک قبیله، قوم یا ملیت اند، در اینصورت اگر یک اداره، دریوران را برای انتقال مواد امدادی استخدام میکند، این امر همان گروپ را نیرومند خواهد ساخت. اگر دریوران به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم در جنگ درگیر باشند، در این صورت استنباط مشهود است. به همین شکل تحلیل ارزیابی وظایف نشان میدهد که در اکثر محلات در افریقا، زنان مسئولیت غله جات را که صرفاً برای مصرف خانواده ها بذر شده به عهده دارند، در حالیکه مردان مسؤول کشت حاصلاتی آن که در بازار برای فروش برده میشود. تجربه نشان میدهد که وقتی توزیع کمک های بشری توسط مردان صورت گرفته، از آن برای زور آزمائی یا تحکیم قدرت استفاده شده است. این امکان وجود داشت که اگر این کار توسط زنان صورت میگرفت، از کمک های بشری به صفت مواد غذایی نیرو بخش استفاده میشد تا اینکه به حیث یک وسیله، تحکیم قدرت، در آنصورت مناسب میبود که امداد بشری به خانواده ها میرسید و در زنده ماندن اطفال کمک میکرد تا اینکه به حیث منبع دیگری در مبارزه دوامدار برای کسب قدرت مورد استفاده قرار میگرفت. به همین ترتیب دانستن نقش جنس شاید منجر به پروگرامهای تمرکز یافته برای خانم ها (که به شکل عنعنی جنگجو نیستند) به منظور تشویق فعالیت های بین-الگروپی میگردید یا

متقابلًا برای مردان جوان (که معملاً جنگجو میباشند) به خاطری می شد تا آنها متین گردند که راه های دیگری غرض امارات معاش غیر از جنگ را در اختیار دارند.

مثال سومی که از یک عدد کشورهای درحال جنگ بدست آمده شامل توقعات در مورد نقش کلان سالان است. بطور مثال هم در سومالیا وهم در تاجکستان کلان سالان قادر شده اند تا نقش رهبری را در کمک کردن گروپ های درگیر در حل منازعه، شان و بدون برخورد بین شان بگیرند. در تاجکستان گروه های زنان کلان سال به تشکیل کمیته هایی برای میانجیگری بین عودت کنندگان مهاجر و مردم پرداختند. عودت کنندگان در خانه های متروک شان جایجا شدند. در سومالیا، نقش عنعنی بزرگان قبیله شناخته شده است و زمانیکه کمک های بشر دوستانه نقش آنها را مجدداً تحکیم بخشید، این امر بزرگان قبیله را کمک کرد تا از برخورد بین قبایل جلوگیری کنند.

شناسائی نقش ها و مسئولیت ها یکی از راههای شناخت ظرفیت های محلی موجود و ابتدایی برای صلح است. در جاییکه نقش های عنعنی مردم، آنها نی باشند که گروپ های متعدد جامعه را یکجا و متحد نماید، این نقش ها نقطه عطفی را برای یاری رسانی مردم در دوری از برخورد مهیا میسازد.

استفاده از منابع و کنترول آن: ثالثاً چون کمک های بشر دوستانه و انکشافی اغلبًا در برگیرنده، منابع اند، طریقیکه مردم به گونه عنعنی به منابع دسترسی یافته و یا از آن استفاده میکنند همچنان برای درک تاثیرات احتمالی امداد بر جنگ باهمیت است.

بگونه مثال، منابع محلی که از آن ادارات کمک دهنده، خارجی در جریان پروگرام های شان استفاده میکنند (چون لاری، عمارت دفاتر، گدام ها، منازل رهایشی) شاید تحت کنترول گروهک قابل شناسائی باشد که سهمی در جنگ دارد. یا بعضی گروه های معین شاید استعداد صحبت کردن با زبان انگلیسی یا فرانسوی را داشته باشند (لسانهاییکه مورد استفاده ادارات بین المللی قرار دارند)

وینابر این بتوانند در یکی از وظائفیکه از طرف این ادارات پیشکش شده گماشته شوند. وقتی این منابع به گروپ های خاصی تمرکز پیدا کند ونه به همه گروپها، تکیه به این ها شاید منجر به عدم رعایت مساوات وایجاد تشنج گردد.

علاوه‌تاً قسمیکه در مثال بالا در مورد تخصیص مواد غذایی گفته شد وقتی منابع امدادی توسط بعضی سکتورهای جامعه ونه توسط همه سکتورها کنترول شود، روابط قدرت وهمچنان نقش های عنعنی متاثر می شود. در یک مثالیکه در فصل قبلی تذکر رفت، تمرکز کمک های خارجی برای اعمار مجدد سریناه های ویران شده پس از جنگ دریک کشور این معنی را میرساند که امداد اصلاً برای کمک رساندن به ملیت خاصی تمرکزداده شده، به آنها نیکه جنگ را «باخته» اند (و لذا متحمل بیشترین خسارات شده اند). در حالیکه هدف ازین کمک حمایت از مصالحه با این تضمین بود که مهاجرین میتوانند به خانه های ویران خود برگرداند و بدینگونه سهمی در استقرار اجتماعی بگیرند. «برندگان» جنگ نگران بودند که کمک های خارجی مردمانی را که آنها فکر میکردند در جنگ شکست خورده اند، مجدداً تقویه میکند. در اینصورت بدون آوردن تعديلات در پروگرام، تدارک مواد برای «نیازمندترین ها» نیز تشنج را تشدید بخشدید و آتش جنگ و درگیری مجدد را شعله ورتر ساخت.

خلاصه

در جائیکه امداد رسانیده میشود، یک رشته عواملی وجود دارند که احتمال اثرات منفی امداد را بیان می آورند. تدارک کنندگان امداد میتوانند از تحریه بیاموزند که کدام شرایط احتمالاً خطر چنین اثرات را افزایش میدهد تا باشد که آمادگی بهتر برای انجام کارها به شکل عاقلانه داشته و از بروز چنین اثرات جلوگیری نمایند.

از طرف دیگر، عوامل انگشت شماری شناسایی شده که امکان بالقوه امداد را درباری رسانیدن به مردم بخاطر دوری از منازعه و جنگ تقویت می

بخشد. صرف نظر از نوع جنگ، مدت یا موقعیت جغرافیایی آن، موجودیت یا عدم موجودیت سیستم‌های قدرت و تعداد و انواع ادارات کمک دهنده، فرصت هائی برای تقویت ظرفیت‌های محلی در جهت صلح همیشه موجود است.

در جوامعیکه کمک داده می‌شود برای پیش‌بینی وقوع اثرات منفی احتمالی و به منظور تضمین اثرات مثبت، عوامل متعدد در پیوند با مردم و فرهنگ شان وجود دارد. این عوامل شامل «همکونی» خطوط جنگ باهویت گروهک‌ها، نقش و مسئولیت‌های مردم در جامعه، کمک گیرنده و فونه‌های منابعیکه این جامعه به آنها دسترسی دارند و استفاده می‌کنند، مهم شمرده می‌شوند.

در فصل بعدی و نهایی برمی‌گردیم به جمع بندی هرآنچه تا کنون پیرامون رابطه بین امداد و جنگ آموخته ایم. همچنان منظور اینست تا یک رشته رهنمودها برای کارمندان امداد رسانی ترتیب گردد که کارمندان را باری رساند تا حالتی را که با آن رویرو هستند تحلیل و تجزیه نمایند و از این طریق بتوانند راههایی را به خاطر جلوگیری از ضرر رسانیدن و افزایش تاثیرات مثبت بجوینند.

فصل نهم

آنچه آموخته شد: چطور میتوان حالت جنگی را تحلیل و بررسی کرد تا اثرات منفی و مثبت امداد رسانی را در جنگ پیش بینی نهائیم

ما با دسته بندی دریافت های شروع میکنیم که در فصل های قبلی طرح شده اند.

خلاصه دریافت ها

دریافت اول: دست آورده فرعی اهداف کمک های تدارک شده در کشورهای در حال جنگ عبارتند از اثرات منفی و یا مثبت همچو کمک های بالای جنگ. (فصل سوم)

دریافت دوم: تاثیرات کمک های عاجل و انکشافی بالای جنگ اکثراً منفی است و می باوری و تشنجات را تغذیه میکند. (فصل چهارم)

دریافت سوم: وقوع اثرات منفی امداد در جنگ میتواند به دو طریق فهمیده شود - اثر وسوء استفاده از انتقال منابع و پیامهای تلویحی اخلاقی که بصورت غیر عمدی از طریق تحویل دهی امداد داده میشود. (فصل چهارم)

دربافت چهارم: اثرات منفی امداد بالای جنگ قابل جلوگیری بوده و راههای جلوگیری همچو اثرات موجود است. (فصل پنجم)

دربافت پنجم: گرچه تقریباً همه کس در جنگ های داخلی شامل اند اما شواهد میرساند که اکثریت این مردم احساس نمیکنند که در برابر داعیه ایکه آتش جنگ بخاطر آن آشکارا شعله ور است وبا به رهبرانیکه ادعای غایبندگی از همچو مردم را دارند - متعهد باشند.

دربافت ششم: از آنجائیکه در قام جنگ ها مردمانی وجود دارند که جنگ را از آن خود نمیدانند، درین حالت همیشه فرصت های مساعد برای کارمندان ادارات امداد رسانی وجود دارد تا برنامه امداد شانرا طوری طرح غایبند که مردمان محل را در دوری از برخورد و جنگ های شان باری رسانند. (فصل های ششم و هفتم)

دربافت هفتم: امکان استفاده از امداد برای بجا گذاری اثرات مثبت بالای جنگ به سه طریق وجود دارد: با ایجاد فضا و مکان مطمئن برای اعمال غیر جنگی، با ایجاد فضای مصنوعی برای ابراز نظریات و مفکوره های غیر جنگی و از طریق منابع تشويقی که مردم را کمک میکند تابه عدم درگیری در جنگ ترغیب شوند. (فصل ششم و هفتم)

دربافت هشتم: اینکه چندین عامل قابل درک در شرایط جنگی این احتمال را فزونی می بخشد که اثرات منفی بوقوع خواهد پیوست. (فصل هشتم)

دربافت نهم: عوامل متذکره این امکان را برای کارمندان امداد رسانی به شکل جدی محدود فیسازد که پروگرام های شان را به نحوی

طرح کنند تامردم رادر دوری از جنگ باری رسانند. (فصل هشتم)

دریافت دهم: این امکان موجود است که حالت ومحیط جنگ را بصورت دقیق تحلیل و تجزیه کرد تا افراد بتوانند طرق ممکن وقوع اثرات منفی و مثبت را پیش بینی کرده و بالنتیجه راههای موثر را به منظور برنامه ریزی مناسب، دوری از ضرر رسانی و حمایت از ظرفیت های محلی برای صلح، انتخاب نمایند.

(فصل دهم)

تحلیل و تجزیه وقوع اثرات با القوه کمک های بشر دوستانه در حال جنگ:

واضح است که امداد و کمک تدارک شده دریک کشور در حال جنگ - حتی در حالیکه در نیل به اهداف مورد نظر چون نجات دادن حیات مردم یا حمایت از پیشرفت مردم موثر است - با آنهم، اکثر^۱ به شکل غیر عمدی جنگ را تشدید و تغذیه میکند. همچنان روشن است که امداد شاید مردمان محل را به دوری از برخورد و نزاع حمایت و تحریک نماید. اینها محصول فرعی (عوارض جانبی) مثبت و منفی امداد اند.

هدف ما تطبیق آنچه که از تجارب گذشته آموخته ایم میباشد تا باشد که کارمندان مؤسسات قادر به پیش بینی این دست آوردهای مثبت و منفی امداد گردند و بدینگونه در جریان عملی ساختن برنامه های کمک رسانی شان، به کاهش اثرات منفی و فزونی اثرات مثبت کمک ها قادر شوند.

آنچه آموخته شده و در فصل های قبلی مورد بررسی قرار گرفت سه مرحله را پیشنهاد میکند که کارمندان مؤسسات با پیروی ازین مراحل میتوانند نتایج را پیش بینی کرده و از بین راههای موثر برنامه سازی بهترین ها را انتخاب نمایند.

مرحله اول: بررسی حالت جنگ، حکومت (قدرت) و سایر عوامل

سوال مرحله اول: درین حالت کدام قوت‌ها اند که احتمال وقوع اثرات منفی را افزایش میدهند؟

قسمیکه در فصل هشتم مذکور شدیم عواملی وجود دارند که احتمال وقوع اثرات منفی و به يك پیمانه محدود، اثرات مثبت در جنگ را تحت تاثیر قرار میدهند. این عوامل در جنگ، در موجودیت یا عدم موجودیت سیستم‌های قدرت (حکومت)، در يك تعداد سایر عاملین (سایر موسسات) و در انتقال منابع امدادی که در يك منطقه فرستاده میشود، موجود اند.

جدول ذیل بررسی خلص این عوامل و اثرات احتمالی آنها را بالای تاثیرات کمک‌های بشر دوستانه - توصیه میکند. پس مرحله اول ارزیابی احتمالاتیست (چنانیکه در جدول باعلامه \checkmark نشان داده شده) که امداد، جنگ را تقویت خواهد کرد.

مرحله اول، فهرست محیط پرشتابی				
عوامل معطبی				جنگ
احتمال وقوع اثرات مثبت		احتمال وقوع اثرات منفی		
زیاد	کم	زیاد	کم	
				مدت زمان
		<input checked="" type="checkbox"/>		طلوانی
			<input checked="" type="checkbox"/>	کوتاه
				حدود جغرافیا به
		<input checked="" type="checkbox"/>		وسيع
			<input checked="" type="checkbox"/>	محیط
				مرحله
<input checked="" type="checkbox"/>				ابتداي
	<input checked="" type="checkbox"/>			وسطي
<input checked="" type="checkbox"/>				نهائي
				حکومت(قدرت)
		<input checked="" type="checkbox"/>		هرچ و مرج
		<input checked="" type="checkbox"/>		ظالم
<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>	دیمکراتيك
				سایر کلاهه هنده کان
				زیاد
		<input checked="" type="checkbox"/>	*	هم اهنگی كتر
		<input checked="" type="checkbox"/>		منابع زیاد

مرحله دوم: بررسی حالت (مردم)

سوال مرحله دوم: مردمانیکه از جنگ حمایت میکنند و علاقه مفرط به ادامه جنگ دارند کدام ها اند و همچنان آنها نیکه از ظرفیت های موجود محلی و ظرفیت های ابتدائی برای صلح غایبندگی میکنند چه کسانی هستند؟

مرحله دوم شامل شناسائی گروپ هایی از مردم است که از جنگ حمایت میکنند و فهمیدن دلایل آنها و شناسایی گروپ هایی است که از ظرفیت های محلی برای صلح غایبندگی میکنند و یا تشویق به چنین کاری گردند. با تحلیل و بررسی جزئیات این گروپ ها و انگیزه های شان و همچنان تقسیم بندی نقش ها و مثال های منابع استفاده شده، کارمندان بخش امداد رسانی میتوانند متوجه این خطرات گردند که شاید امداد جنگ را بدتر سازد و یا متوجه فرصت های مساعدی گردند که امداد شاید مردم را قادر سازد تا از جنگ فاصله گیرند. در جدول بعدی مسائلی جمع بندی گردیده که در فصل های قبلی مطرح شده و به مردم و انگیزه های شان برای جنگ یا صلح ارتباط می گیرد.

همایت از ظرفیت های محلی برای صلح	همایت از جنگ
رها	ترك جنگ
● رهبران	رهبران
	سیاسی
	نظامی
	ساپرین
	جنگجویان
	آدمکشان
	آشتی ناپذیران یا سازگارها
	ساپرین
	سودبندگان
	تاجران سلاح
	ساپرین
● «مردم»	«مردم»
(ملیت، جنس، سن)	(ملیت، جنس، سن)
نقش‌ها	نقش‌ها
دسترسی / استفاده از منابع	دسترسی / استفاده از منابع

کمک‌های بشردوستانه شاید مردمی را که از جنگ پشتیبانی می‌کنند تقویت و یا (لا اقل بعضی شان را) تحریک به دور شدن از منازعه و بسوی ترك جنگ تشویق نماید. به همین ترتیب امداد شاید آنها را که از ظرفیت های صلح غایبندگی می‌نمایند تقویت کند.

مرحله سوم: ارزیابی طرق مختلف برنامه دیزی جهت رساندن کمک ها برای تقویت (ظرفیت های محلی برای صلح)

سوال مرحله سوم: اگر من طریقه، الف (ب یا ت...) را برای برنامه سازی انتخاب نمایم آیا این طریقه اثرات منفی بالای امداد را تشدید خواهد بخشید و یا از ظرفیت محلی برای صلح حمایت و آنها را تشویق خواهد نمود؟ (نحوه، دیگر ابراز این سوال چنین است: چه کسانی از نحوه کمک رسانی من نفع و چه کسانی متضرر میگردند؟)

مرحله سوم: تحلیل و تجزیه راه های موثر انتخابی برای طرح برنامه ها

حملات از جنگ	برنامه امدادی	حملات از ظرفیت های محلی برای صلح
مردم / گروپ ها «رهبران» گروه های درگیر جنگ جنگجویان یک گروپ که در مخالفت با سایر گروپ هاست	انتقال مالی پول مواد امدادی / خدمات کار	عملکردها غیر جنگی (هیکاری همه جانبی) اعمار صلح (در هردو جناح درگیر) روش ها غیر جنگی (بدون تعصب، غیر وحشیانه) اعمار صلح (ارتقانی تفاهمن)
عملکردها جنگ خشونت	پیام های پلاتردیدا خلاقی قدرت / کنترول جیش قانونیت	روش ها اختلاف عقیده بی اعتمادی
سبسته ها سلط تفرقه انداز	سبسته ها اعمار صلح (تجارت، سازمان ها، کنفرانس ها، پروژه ها، ارتباطات وغیره.)	

سرانجام، چارت سوم از یکطرف نشان دهنده رابطه بین برنامه های امدادی و جنگ و از سوی دیگر غایانگر امداد و ظرفیت های محلی برای صلح میباشد. برنامه ریزی از طریق انتقال کمک و یا رساندن پیام های تلویحی اخلاقی میتواند جنگ را تقویه کند. قسمیکه در طرف راست جدول سوم نشان داده شد؛ یعنی به وسیله، حمایت از مردمیکه جنگ را تقویه و یا در آن درگیر اند؛ حمایت از فعالیت هائیکه برخورد را تقویت می بخشد؛ حمایت از افکار تقویه کننده جنگ؛ حمایت از پرسه ها و سیستم هائیکه آتش جنگ را شعله ورتر می سازد. امداد رسانی شاید این همه پشتیبانی ها و حمایت را یا به شکل مستقیم و یا به شکل غیر مستقیم انجام دهد.

یا شاید امداد برای حمایت از ظرفیت های موجود و ابتدایی محلی برای صلح (طوریکه در طرف چپ جدول متذکره نشان داده شده) تهیه شود. که باز هم امداد شاید مردم، فعالیت ها، روش ها و پرسه ها/سیستم ها را حمایت کند که این کار شاید از طریق ایجاد مکان مصنون، ایجاد فضا و مکان مطمئن برای ابراز نظر و یا تدارک منابع تشویقی که مردم را به ترک جنگ و جهش به سوی اعمار صلح تشویق کند، عملی گردد.

کارمندان مؤسسات میتوانند طرقی را برای چگونگی منابع و چگونگی طرح برنامه های شان انتخاب غایند که حلول پیام های تلویحی اخلاقی باشد تا این همه، توانندی مردم، اعمال، روش ها و سیستم هائی را که در جناح راست جدول نشان داده شده، کاهش داده و فضا و مکان را برای ابراز نظر مردم، عملکردها، روش ها و سیستم هائیکه در طرف چپ جدول به نظر میرسند فزونی بخشد. علاوه اتا امداد شاید طوری طرح شود تا مردمی را که در سمت راست جدول قرار دارند تشویق کند تا به طرف چپ بنشتابند.

سه مرحله به کارمندان مؤسسات غمی گوید که چگونه برنامه های شان را طرح و در عمل پیاده کنند. مراحل دستوری نیستند، آنها چون (کتاب پخت و پز) جواب نمیدهند. بلکه تدارک کنندگان امداد را تشخیص محیط مشخص درگیر جنگ وبا در نظر داشت حالت آن، یاری میرسانند تا بهترین راه را از جمع راههای موثر برنامه سازی انتخاب کنند که هم اهداف مورد نظر اداره را بر آورده بسازد و در عین زمان اثرات منفی امداد را محو و اثرات مثبت آنرا به حد نهائی برساند.

کارمندان امداد رسانی اکثراً با اوضاع پیچیده و تقاضای بی حد و حصر رویرو میگردند. دیده میشود که گزینش طرق امداد رسانی با موقع حوادثیکه مهار آن از توان کارمندان بدور است، محدود می گردد. کارمندان در بر آورده ساختن نیازمندیهای عاجل وفوری به فشارهای عملی و اخلاقی رویرو هستند تحت چنین شرایط ناممکن به نظر میرسد تا تاثیر اضافی امداد را قسمیکه جنگ را متاثر میسازد، بررسی کرد. اما بخطایکه در همه کشور های درگیر جنگ، هستند مردمیکه از جنگ شان نفرت داشته و راههای موثر و چاره های دیگری را جستجو میکنند، این وجیبه تدارک کنندگان امداد است تا این دسته مردم را شناسائی - و از طریق ممکن - از آنها و اعمال شان، طرز فکر و سیستم هایرا که آنها برای گریز از جنگ و جهش به طرف صلح ایجاد می نمایند، حمایت کنند.

فصل های قبلی نشان میدهند که این امر ممکن است. حتی در جریان جنگ شدید، بعضی از کارمندان وعده ای از ادارات امداد رسانی به ابتکار طرقی نایل آمدند که از بدتر شدن وضع و شدت جنگ جلوگیری کرده و در تخفیف آن کمک نمایند. مثالهایی از تجارت متعدد ساحه روشنگر این امر است که امداد رسانی شاید نجات بخش حیات بوده و بالای جنگی که زندگی را تهدید میکند اثرات مثبت وارد سازد. قضایاییکه درین نوشته تذکر داده شده و صدها مورد دیگر، رهنمودها والهای را برای آینده در دسترس قرار میدهند.

ضمیمه شماره یک

قضایای مطالعه شده، پروژه، ظرفیت های محلی برای صلح

نویسنده: Mary B. Anderson

۱- «غذا برای کار بخاطر اعمار مجدد

سرپناه ها درولایت ختلان، تاجکستان:

پروژه ای فدراسیون

«Save the Children

۲- «حلقه ارتباطی بیت المقدس : زنان در

حالکیه جنگ جریان داشت بهم پیوستند»

۳- «اداره کمکهای کلیسای ناروی و شورای

پناه گزینان ناروی، پروژه

افغانستان/پاکستان : مطالعه یک قضیه»

نویسنده: Kate Halvorsen

۴- «مساعی برای یکجا سازی مردم در حالت

پس از جنگ: فعالیت های شورای پناه

گزینان دفارک و شورای پناه گزینان ناروی

در موزنیق»

۵- عودت با مصثونیت و وقار؟ فعالیت ها

برای یکجا سازی و اعمار مجدد مربوط

کمیته بین المللی کاتولیک برای مهاجرت

در کمبودیا»

نویسنده: Joseph G. Bock

۶- «پروژه هم آهنگی خدمات اجتماعی جامعه
مربوط بنیاد St. Xavier، احمد آباد،
کجرات، هند.

: Susan A. Lyke, Joseph. G. Bock

۷- «پروژه آزمایشی Orangi: انتستیوت
تحقیقاتی و تربیوی، کراچی

نویسنده: Kenny Gluck

۸- «امداد بین المللی به شهروندان ملکی:
جنگ داخلی ابخاز- گرجستان»

نویسنده: Greg Hansen

۹- «SAWA /آموزش برای صلح: متعدد
ساختن اطفال و جوانان لبنان در خلال
جنگ»

نویسنده: Helene Holm. Pedersen

۱۰- «مصالحه در داخل صلیب سرخ محلی از
طریق همکاری وظیفوی: فدراسیون بین
الملکی انجمن های صلیب سرخ و هلال احمر
در بوسنیا - هرزیکووینا»

نویسنده: Stephen Jackson

۱۱- پروگرام عودت کامل Trocaire، گیدو،
جنوب غرب سومالیا.

نویسنده: Tom Lent

۱۲ - «خوبیت آناییکه پیشراول اند: اعمار
صلح و پرسه های صلح در اوضاع
جنگی: مطالعه یک قضیه در گواتیمالا
» ۱۹۷۶-۱۹۹۶

نویسنده: Larrg Minear

۱۳ - «مصالحه در امتداد سرحدات: یک تجربه
در کروشیا»

نویسنده: Lina Sallin

۱۴ - «نورمهای سلوك بشر دوستی: پروگرام
نشراتی که در بروندی توسط کمیته بین
المللی صلیب احمر تطبیق شده.»

نویسنده: Willet Weeks

Save the Children ۱۵ - «فراسیون
ابالات متحده امریکا در شابیلی سفلی
(سومالیا)»

- ۱ این اصطلاح توسط Joan Beecher خبرنگار صدای امریکا مورد استفاده قرار گرفت. وی از مردم چنینیا دریک خبر که بتاریخ ۲۶ فبروری سال ۱۹۹۶ تهیه کرده بود، نقل قول کرد.
- ۲ در جریان یک جلسه در ادیسه بابا در دسامبر ۱۹۹۵، چارلز پتری کارمند اداء امور بشر دوستی ملل متحد اصطلاح سود جویی (Profiteerism) را برای معرفی کرد. وی ازین اصطلاح قسمًا برای آدمکشان که در متن تذکر رفته و همچنان برای آنهاییکه از جنگ پول در می آورند، استفاده برده است.
- ۳ در یکی از شماره های اولی (امداد منحیث پیشقاول: همکاری انکشافی کانادا و نزاع جهان سوم، چاپ پوهنتون کارلیتون، اوتاوا سال ۱۹۹۲) این موضوع مستقیماً مطرح شده و از طریق مطالعه قضایا، راهانیکه منجر به وقوع اثرات منفی امداد می گردد مورد تدقیق و بررسی قرار گرفته است.
- ۴ در فصل های پنجم و هفتم، ما بعضی از راههای موثر انتخابی را به ارزیابی گرفتیم که ادارات امداد کننده به منظور دوری از وقوع اثرات منفی در تحويل دهی منابع وهم پیام های تلویحی اخلاقی که در متن توضیح گردیده در پیش میگیرند.
- ۵ این نظریه برای نخستین بار ضمن سخنرانی من توسط یکی از اشتراک کنندگان (که خود داکتر بود!) در یک کنفرانس محدود که از طرف «پروگرام ابتکارات صلح» در اوایل ۱۹۹۴ در پوهنتون مک ماستر در تورنتو برگزار شده بود، معرفی گردید.
- ۶ چنین به نظر میرسد که اعتراض علیه جنگ، دورمشخصی را در جنگ های داخلی به دنبال دارد. در مرحله نخست یک تعداد مردم اعتراض می کنند مگر بمجردیکه در خلال گذشت زمان به اعمال شرکت در جرم واداشته میشوند و رنج و درد را تجربه و به چشم سر می بینند، گرایش پیدا میکنند تا جنگ را

به صفت یک ضرورت قبول نمایند. بآنهم حتی پس از گذشت زمان بیشتر و تحمل رنج مزید، مجدداً به اعتراض عمیق علیه جنگ، صرفاً بخاطر بیزاری از جنگ، می پردازند.

- ۷ بعضی از نظریات و مفکرتهاییکه در ذیل تذکر رفته برای بار اول توسط Kenny Gluck که در همانوقت دایرکتور ساحری پروگرام Save the Children امریکا در تاجیکستان بود، برایم توصیه گردید.
- ۸ قیام از خاکستر: ارتقا بخشی استراتژی‌ها در اوقات مصیبت، نوشته ماری، بی، اندرسن و پیتر. جی. و درو طبع شده در مطابع Westview و یونسکو، بولدر و پاریس، ۱۹۸۹
- ۹ نقل قول از یادداشت‌های رودی وون برنوت (SCF/USA) اوایل سال ۱۹۹۵.

-۱۰ برای طراحان پالیسی، کارمندان دفاتر مرکزی، پرسونل اداره ملل متحد وغیره، مناسب خواهد بود تا به تحلیل مشابه بپردازند تا دریابند که در کجا و چگونه میتوانند تغییری وارد آرنند. یک فرد همیشه میتواند «مشخص شده ها» را تحلیل و بعداً با در نظر داشت قرینه تصمیم بگیرد که درکدام موقعیت وحالت، کسی این کارآیی یا استعداد را دارد که راه درستی را انتخاب نماید تا بتواند بالای دریافت‌ها (هرچند بعضی اوقات به شکل محدود) موثر باشد.

- ۱۱ راپوری از صدای امریکا، ۲۶ فبروری ۱۹۹۶، خبر از Joan Beecher.
- ۱۲ بگونه مثال توجه شود به «آموخته‌هایی از تجربه PRODERE در امریکای مرکزی» اثر پیتر سولیس و کریستینا آم. شولتز در RPG Focus، نومبر ۱۹۹۵.

-۱۳ اکثر خواننده‌گان این را به صفت «تحلیل عملکرد ها» و تحلیل منابع تشخیص خواهند کرد که ادارات امداد رسان با استفاده بعضی روش‌ها، جلو تراکم گروپ‌های مردم را که ادارات بآنها کار میکنند بگیرد تا بتوانند برنامه

های شان را قسمی طراحی کنند که به واقعیت های محلی «وقت» داشته باشد.
یکی ازین دو طریقه برای اولین بار در

استفاده شد که در اورهوات به طبع
رسید، نویسنده‌گان عبارتنداز ماری بی. اندرسن، کلاود، کی. و آستن، جی ای.
. Gender Roles in Development Projects: A Casebook

مطبعه کومارین ۱۹۸۵



Norwegian
Church Aid
Together for a just World